



تاب آوری در برابر جنگ شناختی؛ بازتعریف نقش آموزش تفکر انتقادی به عنوان  
سپر دفاعی دانشجویان در عصر اطلاعات  
علی مرادی بهمنی<sup>۱</sup>

۴۱

دوره ۱۵، شماره ۲، پیاپی ۴۱  
تابستان ۱۴۰۴

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:  
۱۴۰۴-۱-۲۵  
تاریخ پذیرش:  
۱۴۰۴-۶-۱۲  
صص: ۶۹-۹۷

شابا چاپی: ۲۳۲۲-۵۵۹۹

رتبه علمی

ب

بررسی صحت گواهی در:  
JOURNALS.MSRT.IR

چکیده

در عصر دیجیتال، جنگ شناختی به شکل گسترده‌ای از طریق ابزارهایی مانند اخبار جعلی، پروپاگاندا و دستکاری الگوریتمی، افکار و احساسات دانشجویان را هدف قرار داده است. دانشجویان، به عنوان کاربران فعال فضای مجازی و مصرف‌کنندگان محتوای آموزشی-رسانه‌ای، در معرض آسیب‌های شناختی و هیجانی ناشی از جنگ شناختی قرار دارند. نبود تاب‌آوری کافی در برابر این تهدیدها، نه تنها عملکرد تحصیلی بلکه سلامت روانی و مشارکت اجتماعی آنان را مختل می‌کند. این پژوهش با تمرکز بر نقش تفکر انتقادی به عنوان سپر دفاعی، به بررسی راهکارهای تقویت تاب‌آوری دانشجویان در مواجهه با جنگ شناختی می‌پردازد. هدف این مطالعه، واکاوی تجربه‌های زیسته دانشجویان از مواجهه با جنگ شناختی و تبیین نقش آموزش تفکر انتقادی در ایجاد تاب‌آوری است. پژوهش با روش پدیدارشناسی تفسیری و استفاده از مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته با ۱۵ فارغ‌التحصیل کارشناسی دانشگاه‌های دولتی انجام شد. داده‌ها بر اساس تجربه‌های فردی شرکت‌کنندگان گردآوری و با رویکرد دیکلمن و همکاران تحلیل شدند. فرآیند کدگذاری در سه مرحله باز، محوری و انتخابی صورت گرفت و از نرم‌افزار MAXQDA برای سازمان‌دهی داده‌ها استفاده شد. یافته‌ها نشان داد دانشجویانی که از مهارت‌های تفکر انتقادی بهره می‌گیرند، تاب‌آوری بیشتری در برابر اطلاعات دستکاری شده دارند. نتایج این پژوهش بر ضرورت ادغام آموزش تفکر انتقادی در برنامه‌های درسی دانشگاه‌ها تأکید دارد.

واژه‌های کلیدی:

تاب‌آوری، جنگ شناختی، تفکر انتقادی، آموزش دانشگاهی، روش پدیدارشناسی، قدرت نرم



## مقدمه و بیان مسأله

در عصر حاضر، جهان با تحولی بی‌سابقه در حوزه اطلاعات و ارتباطات مواجه است؛ عصری که در آن مرزهای بین واقعیت و ساختار، حقیقت و تبلیغ و دانش و شبه‌علم به‌طور فزاینده‌ای محو شده‌اند. گسترش روزافزون فناوری‌های دیجیتال و شبکه‌های اجتماعی، اگرچه دسترسی به اطلاعات را دموکراتیک کرده، اما هم‌زمان بستری برای شکل‌گیری جنگ‌های نوینی فراهم آورده است که نه با سلاح‌های متعارف، بلکه با ابزارهای شناختی و اطلاعاتی به پیشبرد اهداف خود می‌پردازند (Karber, 2021). این پدیده که تحت عنوان «جنگ شناختی» شناخته می‌شود، هدفی جز تسخیر اذهان، تحریف برداشت‌ها و تضعیف اراده جمعی جوامع ندارد. در چنین شرایطی، دانشجویان به‌عنوان قشری که هم‌زمان با انبوهی از داده‌های نامنسجم و جهت‌دار در محیط‌های دانشگاهی و فرا دانشگاهی مواجه‌اند، به‌طور ویژه در معرض این تهدیدات قرار می‌گیرند.

جنگ شناختی، به‌مثابه یک استراتژی هجومی، از مکانیسم‌های پیچیده‌ای مانند انتشار هدفمند اخبار جعلی، دستکاری الگوریتمی محتوا، تقویت گفتمان‌های قطبی‌ساز و سوءاستفاده از ضعف‌های شناختی انسان بهره می‌برد. این جنگ نامرئی، نه تنها امنیت فکری افراد را تهدید می‌کند، بلکه پایه‌های اعتماد اجتماعی، انسجام ملی و حتی مشروعیت نهادهای آموزشی را به خطر می‌اندازد (West & Toplak, 2022). در این میان، پرسش کلیدی آن است که چگونه می‌توان جامعه دانشگاهی را در برابر این یورش‌های ناملموس مقاوم ساخت؟ پاسخ این پرسش را شاید بتوان در بازتعریف نقش آموزش تفکر انتقادی به‌عنوان سپری دفاعی جستجو کرد.

تفکر انتقادی که به‌عنوان توانایی تحلیل منطقی، ارزیابی مستند و استدلال خودآگاهانه تعریف می‌شود، تنها یک مهارت شناختی نیست، بلکه یک ضرورت استراتژیک در عصر اطلاعات است. این توانایی به دانشجویان اجازه می‌دهد تا در مواجهه با اطلاعات متناقض، بتوانند منابع را ارزیابی کنند، مغالطات را شناسایی نمایند و بین واقعیت و تحریف تمایز قائل شوند. با این حال، آموزش تفکر انتقادی در بسیاری از نظام‌های آموزشی هنوز به صورتی سطحی و ناکارآمد ارائه می‌شود، گویی که این مهارت صرفاً ابزاری برای بهبود عملکرد دانشگاهی است، نه یک سلاح حیاتی برای مقابله با تهدیدات وجودی عصر دیجیتال.

مقاله حاضر با هدف پر کردن سه شکاف پژوهشی کلیدی طراحی شده است: نخست، بررسی سازوکارهایی که تفکر انتقادی را به تاب‌آوری تبدیل می‌کنند؛ دوم، تحلیل نقش خودکارآمدی شناختی در مدیریت تعارضات بین اطلاعات دریافتی و باورهای شخصی؛ و سوم، ارائه الگویی کاربردی برای ادغام آموزش تفکر انتقادی در برنامه‌های درسی دانشگاهی. این پژوهش با ترکیب نظریه‌های روان‌شناختی مثبت‌نگر، علوم تربیتی و مطالعات امنیت سایبری تلاش دارد چارچوبی نوین ارائه دهد که تاب‌آوری را نه به‌عنوان یک ویژگی ایستا بلکه به‌عنوان فرآیندی پویا تعریف کند. در این مدل، هیجان‌های منفی مانند احساس فریب یا سردرگمی، نه به‌عنوان تهدید بلکه به محرکی برای تحلیل عمیق‌تر تبدیل می‌شوند.



اهمیت این پژوهش در آن است که پیوندی نظام‌مند بین نظریه‌های جنگ شناختی و کاربردهای عملی آموزش تفکر انتقادی در محیط‌های دانشگاهی ایجاد می‌کند. یافته‌های این مقاله نه تنها به غنای ادبیات علمی در حوزه روش یادگیری و آموزش انتقادی می‌افزاید، بلکه با ارائه راهکارهای عینی، چشم‌اندازی برای تبدیل دانشگاه‌ها به «پایگاه‌های مقاومت شناختی» در برابر تلاطم‌های اطلاعاتی جهان معاصر ترسیم می‌کند. در عصری که جنگ برای تسخیر اذهان، به اندازه جنگ برای تسخیر سرزمین‌ها اهمیت یافته است، سرمایه‌گذاری بر آموزش تفکر انتقادی، به مثابه یک پروژه دفاعی-فرهنگی، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر برای حفظ استقلال فکری نسل‌های آینده است.

پرسش اصلی پژوهش

آموزش تفکر انتقادی چگونه می‌تواند از طریق تقویت مهارت‌های تحلیلی، ارزیابی نقادانه اطلاعات و شناسایی دستکاری‌های شناختی، تاب‌آوری دانشجویان را در برابر تهدیدهای ناشی از جنگ شناختی افزایش دهد و چه سازوکارهایی برای ادغام این آموزش‌ها در نظام آموزشی دانشگاهی مؤثر است؟

فرضیه اصلی پژوهش

آموزش تفکر انتقادی با تقویت مهارت‌های تحلیلی، ارزیابی نقادانه اطلاعات و شناسایی سوگیری‌های شناختی، تاب‌آوری دانشجویان را در برابر جنگ شناختی از طریق کاهش پذیرش اطلاعات دستکاری شده، افزایش خودکارآمدی شناختی و ارتقای توانایی بازسازی اعتماد به منابع معتبر، به طور معناداری افزایش می‌دهد.

تعریف مفاهیم کلیدی

۱- تاب‌آوری: تاب‌آوری از ریشه «تاب» به معنای «تحمل کردن» و «آوری» به مفهوم «توانایی بازگرداندن» است. در لغتنامه دهخدا، تاب‌آوری به «قدرت تحمل سختی‌ها و بازگشت به حالت تعادل پس از فشارهای بیرونی» تعریف شده است یا به معنای «توانایی بازگشت به حالت اولیه پس از مواجهه با فشارها یا آسیب‌ها» است (دهخدا، ۱۳۷۷: ۶۴۳).

در روانشناسی، تاب‌آوری به‌عنوان «توانایی سازگاری موفقیت‌آمیز فرد در برابر شرایط استرس‌زا یا تهدیدکننده، همراه با حفظ سلامت روانی و عملکرد بهینه تعریف می‌شود» (Southwick & Bonanno, ۲۰۱۸: ۶۲). یا تاب‌آوری به‌عنوان «فرآیند پویای سازگاری مثبت در مواجهه با شرایط ناگوار یا تهدیدآمیز» شناخته می‌شود (Masten, ۲۰۱۴: ۷۱). این مفهوم نه تنها به معنای زنده ماندن در بحران‌هاست، بلکه شامل رشد و تقویت توانمندی‌ها در طول این فرآیند نیز می‌شود.

تاب‌آوری به توانایی فرد یا جامعه در مقاومت، سازگاری و بازگشت به عملکرد طبیعی پس از مواجهه با شرایط استرس‌زا یا تهدیدات خارجی اشاره دارد. در چارچوب جنگ شناختی، این مفهوم به‌صورت خاص به مهارت شناختی و عاطفی برای تشخیص، تحلیل و خنثی‌سازی اطلاعات جهت‌دار، شایعات و دستکاری‌های شناختی تعریف می‌شود (Halpern, ۲۰۱۴: ۲۳۱).



تاب‌آوری در این زمینه نه تنها شامل حفظ بی‌طرفی در مواجهه با محتوای تحریک‌کننده است، بلکه توانایی اجتناب از تأثیرپذیری هیجانی و اتکا به شواهد معتبر را نیز در برمی‌گیرد.

در این مطالعه، تاب‌آوری به توانایی دانشجویان در شناسایی سریع اطلاعات جهت‌دار، تحلیل نقادانه محتوای رسانه‌ای، حفظ آرامش هیجانی و اتخاذ تصمیمات عقلانی در مواجهه با جنگ شناختی اطلاق می‌شود. این توانایی از طریق شاخص‌هایی مانند کاهش باورپذیری اخبار جعلی، افزایش مراجعه به منابع معتبر و مشارکت فعال در گفتگوهای انتقادی سنجیده می‌شود.

۲- جنگ شناختی: درحالی‌که در فرهنگ نظامی، جنگ روانی به «استفاده برنامه‌ریزی‌شده از تبلیغات و سایر اقدامات روانی برای تأثیرگذاری بر عقاید، احساسات یا رفتار دشمن یا گروه‌های هدف» تعریف می‌شود (قنبری خانقاه و همکاران، ۱۳۹۱)، جنگ شناختی مفهومی فراتر و پیچیده‌تر است. «جنگ شناختی به معنای هدف قرار دادن قوه شناخت عمومی مردم و نخبگان جامعه هدف با تغییر هنجارها، ارزش‌ها، باورها، نگرش‌ها و رفتارها از طریق مدیریت ادراک و برداشت است. این نوع جنگ شکل تکامل‌یافته‌تر، پیشرفته‌تر، عمیق‌تر و وسیع‌تر جنگ روانی است که مبتنی بر جامعه شبکه‌ای با زیرساخت رسانه‌های نوین است» (خوزین، ۱۴۰۰: ۳۳).

از دیدگاه رسانه‌ای، جنگ شناختی شامل «دستکاری سیستماتیک اطلاعات و ایجاد یک فضای اطلاعاتی مسموم با هدف ایجاد ترس، سردرگمی، بی‌اعتمادی یا تغییر نگرش در مخاطبان هدف از طریق تأثیرگذاری بر فرآیندهای شناختی آن‌ها» است (Jowett & O'Donnell, ۲۰۱۸: ۵۹).

به‌طور خلاصه، جنگ شناختی به استفاده برنامه‌ریزی‌شده از اطلاعات دستکاری‌شده، روایت‌های جهت‌دار و سایر ابزارهای ارتباطی برای تأثیرگذاری بر ادراکات، احساسات، انگیزه‌ها و رفتارهای هدف از طریق تأثیرگذاری بر فرآیندهای شناختی و تصمیم‌گیری آن‌ها اطلاق می‌شود. هدف از این نوع جنگ، نه تنها تضعیف روحیه یا ایجاد تفرقه، بلکه تغییر نگرش‌ها و رفتارهای گروه‌های خاص به شیوه‌ای پایدار و عمیق است. جنگ شناختی ممکن است از طریق رسانه‌های جمعی، شبکه‌های اجتماعی، عملیات سایبری یا کمپین‌های اطلاعاتی اجرا شود و اغلب برای دستیابی به اهداف سیاسی، اقتصادی، نظامی یا ایدئولوژیک طراحی می‌گردد. مثال‌های مدرن شامل انتشار هدفمند اطلاعات نادرست و تئوری‌های توطئه در شبکه‌های اجتماعی برای قطبی‌سازی جامعه یا تضعیف اعتماد به نهادهای دموکراتیک است (Woolley & Howard, ۲۰۱۹: ۲۳۵).

در این پژوهش، جنگ شناختی به تلاش‌های هدفمند برای انتشار اخبار جعلی، استفاده از الگوریتم‌های دستکاری‌کننده در فضای مجازی، ایجاد روایت‌های گمراه‌کننده و حمله به فرآیندهای شناختی دانشجویان با هدف تأثیرگذاری بر افکار، باورها و رفتارهای آنان اشاره دارد. نمونه‌های عملیاتی شامل انتشار اخبار جعلی درباره فرصت‌های تحصیلی، ترویج یأس و ناامیدی نسبت به آینده و تحریف واقعیت‌های مربوط به مسائل اجتماعی و سیاسی است.



۳- تفکر انتقادی: تفکر انتقادی در لغت به «توانایی تجزیه و تحلیل مسائل به شیوه‌های منطقی و مستدل» تعبیر می‌شود (معین، ۱۳۸۲: ۸۴۹). در فرهنگ فارسی عمید تفکر انتقادی به «اندیشیدن مبتنی بر تجزیه و تحلیل منطقی، پرسشگری و ارزیابی بی‌طرفانه» تعریف شده است (عمید، ۱۳۹۰: ۴۷۱).

از نگاه آموزشی، تفکر انتقادی «فرآیندی هدفمند و خودتنظیم‌گرانه است که شامل تحلیل، ارزیابی و بازسازی اطلاعات برای رسیدن به قضاوتی معتبر» می‌باشد (Facione, ۲۰۲۰: ۳۵۸). از دیدگاه فلسفه آموزش، تفکر انتقادی «فرآیندی خودهدایت‌گر، منضبط و مبتنی بر استانداردهای روشن است که شامل مهارت‌هایی مانند تفسیر، تحلیل، ارزیابی، استنباط و توضیح مسائل پیچیده می‌شود» (Ennis, ۲۰۱۸: ۲۵۳).

تفکر انتقادی به فرآیند فعال و سازمان‌یافته تحلیل، ارزیابی و تفسیر اطلاعات برای رسیدن به نتیجه‌ای منطقی و مبتنی بر شواهد اطلاق می‌شود. این مهارت شامل توانایی پرسشگری هدفمند، شناسایی سوگیری‌ها، تفکیک ادعاها از واقعیت‌ها و خودتنظیمی شناختی برای اجتناب از تعصب‌های شخصی است (Facione, ۲۰۲۰: ۲۳۱). به گفته پاول و الدر، تفکر انتقادی مستلزم استانداردهای روشن فکری (مانند دقت، انصاف و عمق) و تمایل به بازبینی باورها در مواجهه با شواهد جدید است (Paul & Elder, ۲۰۲۰: ۲۴۱).

در این مطالعه، تفکر انتقادی به مهارت‌های آموزش‌دیده دانشجویان در شناسایی مغالطه‌های منطقی، ارزیابی منابع اطلاعاتی و تحلیل چندبعدی محتوای رسانه‌ای اشاره می‌کند. تفکر انتقادی در این پژوهش به‌عنوان سپر شناختی عمل می‌کند که از طریق دو مکانیسم اصلی یعنی مکانیسم دفاعی (جلوگیری از نفوذ اطلاعات جعلی با تشخیص سریع نشانه‌های دستکاری) و مکانیسم ترمیمی (بازسازی اعتماد به اطلاعات معتبر از طریق تحلیل سیستماتیک) تاب‌آوری را تقویت می‌نماید.

### پیشینه پژوهش

در رابطه با موضوع پژوهش، تحقیقاتی به‌قرار زیر صورت گرفته است.

جدول شماره (۱): پیشینه پژوهش

عنوان پژوهش	سال	نویسندگان	روش پژوهش	نتایج پژوهش
اثربخشی آموزش تفکر انتقادی بر شیوه‌های حل مسئله در دانشجویان	۱۳۹۸	احمدیگی و همکاران	نیمه‌تجربی	آموزش تفکر انتقادی بر مهارت حل مسئله در بین دانشجویان مؤثر است و پایداری آن در طول زمان نیز ماندگار بوده است.
اثربخشی آموزش تفکر انتقادی بر راهبردهای تفکر سازنده و خودآزمونی دانشجویان	۱۳۹۹	قدم‌پور و همکاران	نیمه‌تجربی	آموزش تفکر انتقادی در افزایش راهبردهای تفکر سازنده و خودآزمونی در دانشجویان مؤثر است.



تاب‌آوری و حمایت اجتماعی با سلامت اجتماعی در دانشجویان رابطه مثبت دارد.	همبستگی	غنچه و گل‌پور	۱۴۰۱	رابطه تاب‌آوری و حمایت اجتماعی با سلامت اجتماعی در دانشجویان: نقش تعدیلی خوددلسوزی
سیاست‌گذاری مناسب در فضای مجازی می‌تواند به تقویت امنیت و تاب‌آوری جامعه در برابر تهدیدهای اطلاعاتی کمک کند.	کیفی-توصیفی تحلیلی	قاضی نوری و صفری	۱۴۰۲	جایگاه امنیت و تاب‌آوری در سیاست‌گذاری فضای مجازی بر اساس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت
سواد رسانه‌های اجتماعی با تاب‌آوری شناختی و بهزیستی روانی کلی ارتباط مثبت دارد. افرادی که سواد رسانه‌های اجتماعی بالاتری دارند، شک و تردید بیشتری نسبت به محتوای آنلاین نشان می‌دهند.	مطالعه همبستگی؛ روش‌شناسی نظرسنجی	جانسون و همکاران	۲۰۲۰	نقش سواد رسانه‌های اجتماعی در تاب‌آوری شناختی و بهزیستی روانی
عوامل محافظتی شامل سواد اطلاعاتی، خودکارآمدی و حمایت اجتماعی بودند. مداخلات با هدف تقویت این عوامل، در تقویت تاب‌آوری روان‌شناختی در برابر اطلاعات نادرست آنلاین امیدوارکننده نشان دادند.	بررسی حوزه‌ای	کارتر و همکاران	۲۰۲۲	تاب‌آوری روان‌شناختی در برابر اطلاعات نادرست آنلاین: بررسی حوزه‌ای عوامل محافظتی
یک مداخله هدفمند تفکر انتقادی به‌طور قابل‌توجهی تاب‌آوری شناختی را در میان دانشجویان دانشگاه افزایش داد و حساسیت نسبت به اطلاعات جانب‌دارانه را کاهش داد.	شبه‌آزمایشی؛ گروه کنترل با ارزیابی قبل و بعد از مداخله	ویلیامز و همکاران	۲۰۲۳	تفکر انتقادی و تاب‌آوری شناختی: مطالعه مداخله‌ای در میان دانشجویان دانشگاه
آموزش سواد رسانه‌ای به‌طور قابل‌توجهی توانایی نوجوانان در شناسایی اطلاعات نادرست آنلاین را بهبود بخشید. دانش‌آموزان همچنین شک و تردید بیشتری نسبت به منابع غیرقابل‌اعتماد نشان دادند.	طرح آزمایشی؛ پیش‌آزمون و پس‌آزمون	جونز و همکاران	۲۰۲۴	تأثیر آموزش سواد رسانه‌ای بر مقاومت شناختی نوجوانان در برابر اطلاعات نادرست آنلاین

پژوهش حاضر با وجود اشتراکاتی با آثار بررسی‌شده همچون تأکید بر نقش تفکر انتقادی و سواد رسانه‌ای در تقویت تاب‌آوری، شناسایی جنگ شناختی به‌عنوان تهدیدی جدی برای نظام آموزشی و تأکید بر نقش آموزش تفکر انتقادی و سواد رسانه‌ای در افزایش تاب‌آوری ولی استفاده از روش پدیدارشناسی تفسیری هایدگر و مراحل هفت‌گانه دیکلمن و همکاران برای



کشف تجربه‌های ذهنی دانشجویان ایرانی که در مطالعات پیشین (که عمدتاً کمی یا ترکیبی بودند) کمتر به کار رفته است، دارای افتراق با آثار قبلی و به طبع نوآوری این پژوهش است.

### مبانی نظری پژوهش

۱- **نظریه تاب‌آوری:** تاب‌آوری، در چارچوب نظریه اکولوژیکی ماسن، به‌عنوان «توانایی سیستم‌های انسانی برای سازگاری و رشد مثبت در مواجهه با شرایط تهدیدکننده و بازگشت به تعادل» تعریف می‌شود. این نظریه بر تعامل پویا بین فرد و محیط تأکید دارد و تاب‌آوری را نه یک ویژگی ثابت، بلکه فرآیندی پویا می‌داند که تحت تأثیر عوامل فردی، خانوادگی، اجتماعی و فرهنگی شکل می‌گیرد (Masten, 2014: 38). در پژوهش حاضر، این نظریه به‌عنوان پایه‌ای برای تحلیل تاب‌آوری دانشجویان در تعامل با محیط آموزشی و به‌ویژه، فضای اطلاعاتی آلوده به جنگ شناختی استفاده می‌شود. دانشجویان به‌عنوان سیستم‌هایی پویا در نظر گرفته می‌شوند که تاب‌آوری آن‌ها در برابر اثرات جنگ شناختی، حاصل تعامل بین مهارت‌های فردی (به‌ویژه تفکر انتقادی) و حمایت‌های نهادی (مانند برنامه‌های آموزشی و سیاست‌های حمایتی) است.

۲- **مدل تفکر انتقادی:** فاسیونه تفکر انتقادی را مجموعه‌ای از مهارت‌های شناختی شامل تفسیر، تحلیل، ارزیابی، استنباط، توضیح و خودتنظیمی تعریف می‌کند. وی معتقد است این مهارت‌ها از طریق آموزش ساختاریافته قابل تقویت هستند و به افراد امکان می‌دهند در مواجهه با اطلاعات پیچیده، تصمیمات آگاهانه بگیرند (Facione, 2015: 83). در این پژوهش، آموزش تفکر انتقادی بر اساس این مدل، به دانشجویان کمک می‌کند تا اطلاعات دستکاری‌شده و روایت‌های جهت‌دار را شناسایی کنند، مغالطه‌های منطقی را تشخیص دهند و منابع معتبر را از غیرمعتبر تمایز دهند. این مهارت‌ها به‌عنوان ابزاری کلیدی برای مقابله با جنگ شناختی عمل می‌کنند.

۳- **نظریه‌های جنگ شناختی:** با توجه به تمرکز پژوهش بر جنگ شناختی، مهم است که نظریه‌های مرتبط با این حوزه به‌طور مشخص مورد توجه قرار گیرند. جنگ شناختی را می‌توان به‌عنوان «استفاده سیستماتیک از ابزارهای شناختی و اطلاعاتی با هدف دستکاری ادراکات، باورها و رفتارهای گروه‌های هدف به‌منظور دستیابی به اهداف استراتژیک» تعریف کرد. این نظریه‌ها بر ابزارهای مدرن جنگ شناختی مانند اخبار جعلی، شبکه‌های اجتماعی، هوش مصنوعی و الگوریتم‌های دستکاری‌کننده تمرکز دارند. این نظریه‌ها به تحلیل نحوه تأثیرگذاری جنگ شناختی بر دانشجویان و ضرورت مقابله با آن از طریق تقویت تاب‌آوری شناختی و آموزش تفکر انتقادی می‌پردازد.

۴- **نظریه خودکارآمدی شناختی:** بندورا خودکارآمدی را «باور فرد به توانایی‌های خود برای سازمان‌دهی و اجرای اقدامات لازم جهت دستیابی به اهداف خاص» تعریف می‌کند. بر اساس این نظریه، خودکارآمدی بالا باعث افزایش مقاومت در برابر استرس و اتخاذ راهبردهای مقابله مؤثر می‌شود (Bandura, 1997: 184). آموزش تفکر انتقادی، خودکارآمدی شناختی دانشجویان را



تقویت می‌کند و آن‌ها را قادر می‌سازد با اطمینان بیشتری در برابر اطلاعات جهت‌دار مقاومت کنند و از تحلیل‌های خود برای تصمیم‌گیری استفاده کنند.

۵- **نظریه سواد رسانه‌ای و اطلاعاتی:** سواد رسانه‌ای و اطلاعاتی به «توانایی دسترسی، ارزیابی انتقادی، استفاده و تولید محتوای رسانه‌ای و اطلاعاتی در بافتارهای مختلف» اشاره دارد (Higgins et al, ۲۰۲۱: ۵۶). متخ‌ص صان این حوزه بر این باورند که سواد رسانه‌ای و اطلاعاتی، تاب‌آوری کاربران را در فضای دیجیتال افزایش می‌دهد و به آن‌ها کمک می‌کند تا در برابر اطلاعات نادرست و دستکاری‌شده مقاومت کنند. این نظریه مکمل مدل تفکر انتقادی است و بر ضرورت آموزش مهارت‌های تحلیل محتوای رسانه‌ای و اطلاعاتی در دانشگاه‌ها تأکید می‌کند.

در مجموع، مبانی نظری این پژوهش، با اتکا به نظریه‌های بین‌المللی و تطبیق آن‌ها با شرایط بومی، چارچوبی علمی برای درک رابطه بین تفکر انتقادی، تاب‌آوری و جنگ شناختی فراهم می‌کند. این تلفیق نظری، هم به غنای ادبیات موجود می‌افزاید و هم راهکارهای عملیاتی برای نظام آموزش عالی ارائه می‌دهد.

## تاب‌آوری در برابر جنگ شناختی

۱- **تعریف تاب‌آوری در برابر جنگ شناختی:** تاب‌آوری در این پژوهش به‌عنوان توانایی شناختی و عاطفی برای مقاومت در برابر اطلاعات دستکاری‌شده، روایت‌های جهت‌دار و تکنیک‌های فریبنده‌ای که در جنگ شناختی به کار می‌روند، تعریف می‌شود. این مفهوم نه تنها شامل تشخیص سریع محتوای نادرست است، بلکه توانایی حفظ بی‌طرفی، ارزیابی انتقادی ادعاها و اجتناب از تأثیرپذیری هیجانی را نیز در برمی‌گیرد (Halpern, ۲۰۱۲: ۲۵۲). برای مثال، فرد تاب‌آور می‌تواند در مواجهه با خبری اغراق‌آمیز درباره یک بحران اجتماعی، پیش از پذیرش، منبع، شواهد و انگیزه‌های پنهان را بررسی کند. این تعریف بر پایه پژوهش‌های کانمن استوار است که نشان می‌دهد سوگیری‌های شناختی، مانند تعصب تأییدی و اثر لنگر انداختن، می‌توانند تاب‌آوری شناختی را تضعیف کنند.

تاب‌آوری در برابر جنگ شناختی همچنین به معنای سازگاری و بازگشت به عملکرد طبیعی پس از مواجهه با اطلاعات مخرب و تلاش برای دستکاری شناخت است. بروکفیلد تأکید می‌کند که این توانایی با آموزش مهارت‌هایی مانند تفکیک واقعیت از نظر، تحلیل ساختار اطلاعات و مشارکت فعال در بحث‌های جمعی تقویت می‌شود. به‌عنوان نمونه، دانشجویانی که یاد می‌گیرند چگونه در فضای مجازی، اخبار را با منابع معتبر مقایسه کنند، صحت‌وسقم ادعاها را بررسی کنند و روایت‌های جایگزین را در نظر بگیرند، کمتر در دام پروپاگاندا گرفتار می‌شوند (Brookfield, ۲۰۱۷: ۳۵۰).

۲- **مکانیسم‌های جنگ شناختی و تأثیر آن بر شناخت:** جنگ شناختی از طریق انتشار اخبار جعلی، استفاده از زبان احساسی و تحریک‌کننده، تقویت سوگیری‌های شناختی و ایجاد قطب‌بندی در جامعه عمل می‌کند. این تکنیک‌ها با هدف ایجاد سردرگمی، کاهش اعتماد اجتماعی، تضعیف تفکر انتقادی و تحریک واکنش‌های هیجانی طراحی می‌شوند (Allcott & Gentzkow, ۲۰۱۷).



۲۰۱۷: ۶۸). برای مثال، یک پیام سیاسی ممکن است با حذف دیدگاه‌های مخالف، استفاده از تکرار و توسل به ترس، مخاطب را به سمت پذیرش سریع یک ادعا سوق دهد.

تأثیر این مکانیسم‌ها بر شناخت، اغلب منجر به تضعیف تفکر منطقی، افزایش پذیرش اطلاعات نادرست و کاهش توانایی ارزیابی انتقادی اطلاعات می‌شود. مطالعه وینبورگ و مک‌گرو نشان می‌دهد افرادی که از «خوانش جانبی» (بررسی منبع خارج از محتوا و مقایسه آن با سایر منابع) استفاده نمی‌کنند، احتمال بیشتری دارد که اخبار جعلی و اطلاعات دستکاری شده را باور کنند (Wineburg & McGrew, ۲۰۱۹: ۴۸). این یافته‌ها اهمیت آموزش روش‌های تحلیل ساختاری اطلاعات و ارزیابی اعتبار منابع را در خنثی‌سازی جنگ شناختی برجسته می‌کند.

**۳- نقش تفکر انتقادی در تقویت تاب‌آوری شناختی:** تفکر انتقادی با تقویت مهارت‌های پرسشگری هدفمند، تحلیل منطقی، ارزیابی انتقادی اطلاعات و خودتنظیمی شناختی، تاب‌آوری شناختی را افزایش می‌دهد. فاسیونه در مدل خود تأکید می‌کند که پرسشگری هدفمند (مانند بررسی منبع، شواهد و انگیزه‌های پنهان) اولین گام برای تشخیص اطلاعات دستکاری شده و روایت‌های جهت‌دار است. برای مثال، دانشجویان آموزش دیده می‌توانند در مواجهه با ادعای «سیاست‌های دولت باعث نابودی اقتصاد شده است»، بلافاصله درخواست داده‌های آماری، تحلیل‌های اقتصادی و مقایسه با سایر کشورها کنند (Facione, ۲۰۲۰: ۷۳).

این مهارت‌ها همچنین شامل شناسایی مغالطه‌های منطقی (مانند حمله به شخص، توسل به اکثریت و تعمیم شتاب‌زده) و اجتناب از سوگیری تأییدی است. زیمرمن نشان می‌دهد که خودتنظیمی شناختی، مانند بازبینی باورها در مواجهه با شواهد جدید و آمادگی برای تغییر دیدگاه، تاب‌آوری فردی را تقویت می‌کند. دانشجویانی که یاد می‌گیرند به جای تکیه بر شایعات، احساسات و اطلاعات سطحی، بر داده‌های مستند، استدلال‌های منطقی و تحلیل‌های چندبعدی تمرکز کنند، در برابر دستکاری‌های شناختی مقاوم‌تر عمل می‌کنند (Zimmerman, ۲۰۰۲: ۴۰).

**۴- آموزش تفکر انتقادی؛ راهکارهای عملی:** آموزش تفکر انتقادی باید مبتنی بر سناریوهای واقعی و مسائل روزمره باشد تا دانشجویان را با چالش‌های جنگ شناختی آشنا کند. بروکفیلد پیشنهاد می‌کند که تحلیل اخبار جعلی، تصاویر دستکاری شده و پست‌های شبکه‌های اجتماعی در کلاس درس، همراه با بحث‌های گروهی، توانایی تشخیص سوگیری‌ها، شناسایی روایت‌های جهت‌دار و ارزیابی اعتبار منابع را افزایش می‌دهد. برای نمونه، بررسی یک خبر جعلی درباره یک موضوع سیاسی حساس می‌تواند دانشجویان را به شناسایی زبان احساسی، مغالطه‌ها و انگیزه‌های پنهان ترغیب کند.

فعالیت‌های تعاملی مانند نقد همتا، شبیه‌سازی تصمیم‌گیری و ایفای نقش نیز نقش کلیدی دارند. مطالعه الکات و جنزکو نشان می‌دهد دانشجویانی که در چنین فعالیت‌هایی مشارکت می‌کنند، توانایی بیشتری در تشخیص اخبار جعلی، شناسایی اطلاعات دستکاری شده و ارزیابی اعتبار منابع دارند (Allcott & Gentzkow, ۲۰۱۷: ۱۷۵). این راهکارها نه تنها مهارت‌های تحلیلی را تقویت می‌کنند، بلکه تاب‌آوری جمعی را نیز افزایش می‌دهند.



در مجموع، آموزش تفکر انتقادی با تقویت مهارت‌های تحلیلی، خودتنظیمی و پرسشگری، دانشجویان را به سپرهای شناختی مجهز می‌کند که تاب‌آوری آنان را در برابر جنگ شناختی افزایش می‌دهد. این فرآیند نه تنها از پذیرش اطلاعات نادرست جلوگیری می‌کند، بلکه جامعه را به سمت نقادی فعالانه، مسئولیت‌پذیری اجتماعی و همبستگی سوق می‌دهد. پژوهش‌های آتی می‌توانند بر اثربخشی برنامه‌های آموزشی تفکر انتقادی در محیط‌های مختلف و در بلندمدت تمرکز کنند.

### مراحل هفت‌گانه تفکر انتقادی در تاب‌آوری شناختی

در عصر اطلاعات، جنگ شناختی به ابزاری قدرتمند برای تأثیرگذاری بر افکار عمومی تبدیل شده است. این پدیده با انتشار اطلاعات دستکاری‌شده، روایت‌های جهت‌دار و تحریف واقعیت، هدف تضعیف تاب‌آوری شناختی افراد و جوامع را دنبال می‌کند (Paul & Elder, 2020: 283). در این میان، تفکر انتقادی به‌عنوان یک سپر دفاعی ضروری، توانایی تحلیل، ارزیابی و مقاومت در برابر این تهدیدات را تقویت می‌کند. پژوهش حاضر با استناد به مدل‌های معتبر تفکر انتقادی، هفت مرحله کلیدی را برای تقویت تاب‌آوری شناختی در برابر جنگ شناختی ارائه می‌دهد.

۱- پرسشگری هدفمند: پرسشگری هدفمند، به‌عنوان سنگ بنای تفکر انتقادی، دانشجویان را تشویق می‌کند تا به‌جای پذیرش منفعلانه اطلاعات، فعالانه به واکاوی منبع، شواهد، اهداف پنهان و انگیزه تولیدکنندگان محتوا بپردازند. این فرآیند نه تنها شکاکیت سازنده را تقویت می‌کند، بلکه فرد را از تأثیرپذیری سریع توسط اطلاعات گمراه‌کننده و روایت‌های جهت‌دار مصون می‌دارد (Facione, 2020: 364). به‌عنوان مثال، هنگام مواجهه با اخبار در شبکه‌های اجتماعی، بررسی تاریخ انتشار، شناسایی منبع اصلی و پرسش درباره انگیزه‌های احتمالی انتشاردهنده، گام‌های عملی برای کاهش خطر پذیرش اطلاعات نادرست است. پاول و الدر تأکید می‌کنند که پرسشگری سیستماتیک، ذهن را برای تشخیص الگوهای فریبنده در جنگ شناختی آماده می‌سازد. مطالعات نشان می‌دهند افرادی که به‌طور مداوم سؤالاتی مانند «چه شواهدی از این ادعا پشتیبانی می‌کند؟»، «چه منفعی در ترویج این ادعا دخیل هستند؟» یا «آیا این محتوا از زبان احساسی برای تحریک مخاطب استفاده کرده است؟» را مطرح می‌کنند، در مقایسه با دیگران، کمتر در دام اطلاعات نادرست گرفتار می‌شوند (Halpern, 2014: 461). این رویکرد نه تنها به فرد کمک می‌کند تا اطلاعات را عمیق‌تر پردازش کند، بلکه تاب‌آوری شناختی او را در برابر حملات شناختی افزایش می‌دهد.

۲- شناسایی پیش‌فرض‌ها و سوگیری‌ها: شناسایی پیش‌فرض‌ها و سوگیری‌های پنهان در اطلاعات، گامی حیاتی برای خنثی‌سازی تأثیر پیام‌های جانب‌دارانه در جنگ شناختی است. سوگیری‌های شناختی، مانند تعصب تأییدی (تمایل به پذیرش اطلاعات همسو با باورهای پیشین) و اثر لنگر انداختن (تکیه بیش‌ازحد به اولین اطلاعات دریافتی)، می‌توانند به‌راحتی قضاوت فرد را تحت تأثیر قرار دهند. برای مثال، در تبلیغات سیاسی، استفاده از واژه‌های افراطی یا تصاویر تحریک‌کننده ممکن است با هدف تحریک احساسات و دور زدن استدلال منطقی طراحی شده باشد. هالپرن خاطر نشان می‌کند که آموزش دانشجویان برای تشخیص زبان احساسی، بررسی یکسونگری اطلاعات و شناسایی منابع خبری با سابقه سوگیری، توانایی آنان را در شناسایی سوگیری‌های



رسانه‌ای تقویت می‌کند. پرسش از نادیده گرفته شدن دیدگاه‌های مخالف در یک پیام، نه تنها آگاهی فرد را افزایش می‌دهد، بلکه او را به سمت تحلیل چندبعدی سوق می‌دهد. این مهارت به‌ویژه در محیط‌های پر از اطلاعات متناقض و روایت‌های رقیب، مانند فضای مجازی، ضروری است (Halpern, 2014: 375).

**۳- تحلیل ساختار اطلاعات:** تحلیل ساختار اطلاعات مستلزم تفکیک ادعاها از شواهد، شناسایی مغالطه‌های منطقی و بررسی انسجام درونی یک استدلال است. این مرحله به دانشجویان کمک می‌کند تا محتوا را به اجزای کوچک‌تر تقسیم کرده و هر بخش را به صورت مجدد ارزیابی کنند. به‌عنوان مثال، در یک مقاله خبری، تمایز بین بخش‌های مبتنی بر واقعیت (مانند آمار رسمی) و نظرات شخصی نویسنده (مانند تفسیرهای ذهنی) از اهمیت بالایی برخوردار است. فاسیونه در مدل خود تأکید می‌کند که تحلیل ساختاری نه تنها خطاهای استدلالی مانند «حمله به شخص» یا «استنتاج شتاب‌زده» را آشکار می‌سازد، بلکه به فرد اجازه می‌دهد تا اعتبار کلی اطلاعات را بسنجد. برای نمونه، در ادعایی مانند «سیاست‌های دولت باعث افزایش فقر شده است»، تحلیلگر باید شواهد مستقیم (مانند داده‌های مربوط به درآمد، اشتغال و دسترسی به خدمات) را از تفسیرهای سیاسی جدا کند. این فرآیند، پایه‌ای برای ارزیابی عینی اطلاعات فراهم می‌آورد (Facione, 2020: 186).

**۴- ارزیابی اعتبار منابع:** ارزیابی اعتبار منابع، توانایی تشخیص اطلاعات معتبر از منابع غیرقابل اعتماد را تقویت می‌کند. وینبورگ و مک‌گرو نشان می‌دهند که «خوانش جانبی» (بررسی منبع خارج از خود محتوا و مقایسه آن با سایر منابع) روشی مؤثر برای شناسایی اخبار جعلی و اطلاعات دستکاری شده است. به‌عنوان مثال، پیش از پذیرش یک ادعای علمی، بررسی اینکه آیا مقاله در مجلات معتبر و با داوری هم‌تا منتشر شده است یا خیر، می‌تواند از انتشار اطلاعات نادرست جلوگیری کند (Wineburg & McGrew, 2019: 370). مطالعه الکات و جنتزکو نیز تأکید می‌کند که منابع ناشناس یا وبسایت‌های فاقد شفافیت، اغلب حاوی اطلاعات جهت‌دار هستند. دانشجویان باید بیاموزند که سوابق نویسنده (مانند تخصص و وابستگی‌های سازمانی) و همخوانی اطلاعات با منابع دیگر (مانند گزارش‌های دانشگاهی و داده‌های دولتی) را بررسی کنند. این رویکرد نه تنها اعتمادپذیری اطلاعات را افزایش می‌دهد، بلکه تاب‌آوری فرد را در برابر جنگ شناختی تقویت می‌کند (Allcott & Gentzkow, 2017: 28).

**۵- استنتاج منطقی:** استنتاج منطقی به معنای ترکیب شواهد موجود برای رسیدن به نتیجه‌ای معتبر و مبتنی بر داده‌ها است. انیس (2018) استدلال می‌کند که این مرحله مستلزم اجتناب از تعمیم‌های شتاب‌زده و اتکا به شایعات است. برای مثال، در ادعای «سیاست‌های مهاجرتی باعث افزایش جرم و جنایت شده است»، استنتاج منطقی ایجاب می‌کند که داده‌های آماری مربوط به جرم و جنایت و مهاجرت به دقت بررسی شوند و عوامل دیگری که ممکن است در افزایش جرم و جنایت نقش داشته باشند نیز در نظر گرفته شوند. این فرآیند همچنین شامل پیش‌بینی پیامدهای احتمالی اطلاعات جهت‌دار است. به‌عنوان نمونه، اگر خبری ادعا کند که «گروه خاصی عامل اصلی مشکلات اقتصادی است»، استنتاج منطقی مستلزم بررسی اسناد تاریخی، گزارش‌های بی‌طرفانه و



تحلیل‌های اقتصادی برای تأیید یا رد این ادعاست. چنین رویکردی، دانشجویان را به جای پذیرش کورکورانه، به‌سوی تحلیل علت و معلولی سوق می‌دهد.

**۶- توضیح و بازخورد:** اشتراک‌گذاری تحلیل‌ها و دریافت بازخورد، تاب‌آوری جمعی در برابر جنگ شناختی را تقویت می‌کند. بروکفیلد معتقد است که بحث‌های گروهی و نقدهای ساختاریافته، امکان اصلاح خطاهای شناختی و تقویت دیدگاه‌های چندبعدی را فراهم می‌کنند. به‌عنوان مثال، ارائه تحلیل یک خبر جعلی در کلاس درس و دریافت نظرات همکلاسی‌ها، نه‌تنها دانش فردی را گسترش می‌دهد، بلکه حس مسئولیت‌پذیری اجتماعی را نیز پرورش می‌دهد (Brookfield, 2017: ۶۲). این مرحله همچنین شامل نوشتن نقدهای مستند است. برای نمونه، دانشجویان می‌توانند با استناد به منابع معتبر، تناقض‌های موجود در یک پیام رسانه‌ای را شناسایی و آن‌ها را در قالب مقاله، پست وبلاگی یا گزارش تحقیقی منتشر کنند. چنین اقداماتی نه‌تنها آگاهی عمومی را افزایش می‌دهد، بلکه جامعه را به سمت نقادی فعالانه سوق می‌دهد.

**۷- خودتنظیمی و بازاندیشی:** خودتنظیمی به معنای بازبینی مداوم باورها، اجتناب از تعصبات و آمادگی برای تغییر دیدگاه در مواجهه با شواهد جدید است. زیمرمن توضیح می‌دهد که این مهارت مستلزم آن است که افراد در مواجهه با شواهد جدید، انعطاف‌پذیری شناختی داشته باشند و از تصلب در باورها خودداری کنند. به‌عنوان مثال، اگر دانشجویی متوجه شود خبری که قبلاً باور داشته نادرست است، باید بتواند اشتباه خود را بپذیرد و فرآیند تحلیل را اصلاح کند (Zimmerman, 2002: ۷۹). این مرحله همچنین شامل شناسایی تمایل ذاتی به جستجوی اطلاعاتی است که باورهای قبلی را تأیید می‌کنند. برای مقابله با این سوگیری، دانشجویان باید بیاموزند که عمداً منابع اطلاعاتی مخالف دیدگاه خود را بررسی کنند و به دنبال دیدگاه‌های جایگزین باشند. این تمرین نه‌تنها بی‌طرفی را تقویت می‌کند، بلکه تاب‌آوری شناختی را در برابر دستکاری‌های شناختی افزایش می‌دهد. در نهایت، این هفت مرحله، دانشجویان را به «سپرهای شناختی» مجهز می‌کند که تاب‌آوری فردی و جمعی در برابر جنگ شناختی را افزایش می‌دهد. آموزش این مهارت‌ها باید مبتنی بر سناریوهای واقعی، تمرین‌های عملی و در قالب برنامه‌های درسی یکپارچه ارائه شود.

## روش‌شناسی پژوهش

**۱- روش پژوهش:** این مطالعه با رویکرد کیفی و با استفاده از روش پدیدارشناسی تفسیری هایدگر انجام شده است. پدیدارشناسی روشی است که در آن به توصیف «چگونگی» و «چیستی» پدیده تجربه افراد، بر اساس تجارب آن‌ها به توضیح، تجزیه و تحلیل و توصیف پدیده می‌پردازد (جعفریان و محمودی، ۱۳۹۸). هدف از پدیدارشناسی، شرح تجارب افراد به‌گونه‌ای است که آن را تجربه کرده‌اند (حاج باقری و همکاران، ۱۳۹۰). پدیدارشناسی به‌عنوان یک روش کیفی، بر درک عمیق تجربه‌های زیسته شرکت‌کنندگان از یک پدیده خاص تمرکز دارد و به پژوهشگر اجازه می‌دهد تا معنای ذهنی و ادراکات افراد را کشف کند (Smith et al, 2009: ۳۱). علت انتخاب روش پدیدارشناسی به این دلیل است که ماهیت اکتشافی پژوهش و نیاز به فهم



تجربه‌های منحصربه‌فرد دانشجویان از جنگ شناختی و تمرکز بر فرآیندهای شناختی-هیجانی که با روش‌های کمی قابل‌اندازه‌گیری نیستند، می‌پردازد.

۲- شیوه گردآوری اطلاعات: ابزار اصلی گردآوری اطلاعات، مصاحبه نیمه ساختاریافته است که به‌عنوان روشی انعطاف‌پذیر و عمیق برای جمع‌آوری داده‌ها استفاده می‌شود. سؤالات مصاحبه بر اساس اهداف پژوهش طراحی شدند. شرکت‌کنندگان دانشجویان فارغ‌التحصیل مقطع کارشناسی دانشگاه‌های دولتی هستند که در رسانه‌های اجتماعی فعال هستند و تجربه مواجهه با اطلاعات دستکاری شده و روایت‌های جهت‌دار را دارند. نمونه‌گیری به صورت هدفمند و با حداکثر تنوع در رشته تحصیلی و دانشگاه انجام شد. حجم نمونه ۱۵ مشارکت‌کننده تا رسیدن به اشباع نظری (عدم ظهور تم‌های جدید در داده‌ها) است.

۳- ابزار تجزیه و تحلیل داده‌ها: تجزیه و تحلیل داده‌ها، تحلیل تماتیک با رویکرد استقرایی (کدگذاری باز، محوری و انتخابی) بر اساس روش دیکلمن و همکاران است. مراحل تحلیل به صورت زیر است: ۱. آشنا شدن با داده‌ها: از طریق خوانش مکرر متن مصاحبه‌ها و یادداشت‌برداری از ایده‌های اولیه. ۲. کدگذاری باز: از طریق شناسایی کدهای اولیه از جملات کلیدی. ۳. تشکیل تم‌های اولیه: از طریق گروه‌بندی کدهای مشابه در دسته‌های مفهومی. ۴. بازبینی و تعریف تم‌ها: از طریق اطمینان از انسجام تم‌ها با مرور مجدد داده‌ها و ادغام تم‌های همپوشان. ۵. کدگذاری انتخابی: از طریق انتخاب تم‌های اصلی و ارتباط آن‌ها با سؤالات پژوهش.

۴- اعتباربخشی و پایایی: اعتبار درونی از طریق بازبینی توسط مشارکت‌کنندگان و ارائه خلاصه یافته‌ها به پنج مشارکت‌کننده برای تأیید دقت تفسیرها انجام شد. پایایی از طریق بازبینی فرآیند تحلیل توسط دو پژوهشگر مستقل برای کاهش سوگیری انجام شد.

### یافته‌های پژوهش

جدول زیر یافته‌های پژوهش کیفی را نشان می‌دهد که با استفاده از روش کدگذاری باز، محوری و انتخابی دیکلمن و همکاران از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با دانشجویان به دست آمده است. هدف اصلی این تحلیل، کشف و تبیین تجربه‌های زیسته دانشجویان در مواجهه با جنگ شناختی و مکانیسم‌هایی است که از طریق آن، آموزش تفکر انتقادی به تقویت تاب‌آوری آن‌ها کمک می‌کند.

جدول شماره (۲): یافته‌های پژوهش بر اساس کدگذاری باز، محوری و انتخابی

سؤال مصاحبه	کدگذاری باز (مفاهیم اولیه)	کدگذاری محوری (مقوله‌ها)	کدگذاری انتخابی (مقوله اصلی)
۱. تجربه مواجهه با اطلاعات دستکاری شده	شناسایی اخبار جعلی، تشخیص پروپاگاندا، احساس فریب، شک و تردید	واکنش‌های شناختی و هیجانی به اطلاعات دستکاری شده	فرآیند شکل‌گیری تاب‌آوری شناختی



۲. درک شخصی از جنگ شناختی	تلاش برای تأثیرگذاری بر افکار، انتشار اطلاعات نادرست، قطبی‌سازی جامعه	ماهیت جنگ شناختی در فضای دانشگاهی	درک عمیق از پدیده جنگ شناختی و تکنیک‌های مورد استفاده
۳. واکنش‌های هیجانی اولیه به اخبار جعلی	بی‌اعتمادی، خشم، اضطراب، سردرگمی	تبدیل هیجانات منفی به محرکی برای تحلیل	توسعه خودکارآمدی شناختی
۴. نقش تفکر انتقادی در تحلیل اطلاعات	بررسی منابع، مقایسه اطلاعات، شناسایی سوگیری‌ها، پرسشگری نظام‌مند	مکانیسم‌های تحلیل اطلاعات و ارزیابی اعتبار منابع	توانمندسازی شناختی از طریق مهارت‌های تفکر انتقادی
۵. تأثیر آموزش‌های دانشگاهی بر تاب‌آوری شناختی	شرکت در کارگاه‌های عملی، بحث‌های گروهی، پروژه‌های تحقیقاتی، اساتید	تأثیر آموزش‌های دانشگاهی در تقویت تفکر انتقادی و تاب‌آوری شناختی	نقش آموزش دانشگاهی در تقویت تاب‌آوری شناختی
۶. فرآیند ارزیابی منابع	بررسی اعتبار نویسنده، بررسی سوابق رسانه، مقایسه با سایر منابع، بررسی شواهد پشتیبان	اعتبارسنجی اطلاعات و شناسایی منابع معتبر	نظام‌مندسازی تحلیل و ارزیابی اطلاعات
۷. تغییر نگرش پس از ورود به دانشگاه	افزایش شکاکیت سالم، تحلیل چندمنبعی، پرسشگری نظام‌مند، تفکر مستقل	توسعه نگرش انتقادی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی	تحول شناختی در محیط دانشگاهی
۸. چالش‌های تاب‌آوری در فضای دیجیتال	حجم بالای اطلاعات، سرعت انتشار اخبار، دشواری تشخیص اخبار جعلی، دسترسی محدود به منابع معتبر	مدیریت اطلاعات در فضای پیچیده و غیراستاندارد	تاب‌آوری در فضای دیجیتال
۹. نقش گروه‌های همسالان در تاب‌آوری	بحث‌های جمعی، تبادل نظر، نقد همتا، یادگیری مشارکتی	تقویت مهارت‌های جمعی و ایجاد حمایت اجتماعی	همکاری در توسعه تاب‌آوری شناختی



۱۰. تعارض بین باورهای شخصی و اطلاعات جدید	بازنگری در باورها، انعطاف‌پذیری فکری، جستجوی شواهد بیشتر، پذیرش دیدگاه‌های مخالف	مدیریت تعارض شناختی و بازسازی باورها بر اساس شواهد	خودکارآمدی در بازتعریف باورها
۱۱. کاربرد تفکر انتقادی در زندگی روزمره	تصمیم‌گیری مالی، تحلیل ریسک، حل مسائل شخصی، مشارکت در مباحث اجتماعی	تعمیم مهارت‌های تفکر انتقادی به حوزه‌های مختلف زندگی	انتقال مهارت‌های انتقادی به زندگی روزمره
۱۲. نقش اساتید در تقویت تاب‌آوری	طرح سؤالات چالشی، ارائه بازخورد سازنده، تشویق به تفکر مستقل، ایجاد فضای یادگیری تعاملی	نقش راهبردی اساتید در تسهیل یادگیری و تقویت خودکارآمدی شناختی	تقویت خودکارآمدی شناختی از طریق تعامل آموزشی
۱۳. تاب‌آوری به‌عنوان یک فرآیند	آموزش‌پذیری، تمرین مستمر، خودارزیابی، اصلاح مداوم	توسعه تاب‌آوری شناختی از طریق آموزش و تمرین	تاب‌آوری شناختی به‌مثابه یک توانایی اکتسابی
۱۴. تأثیر فضای سیاسی-فرهنگی	محدودیت دسترسی به اطلاعات آزاد، سانسور، پروپاگاندا، تبلیغات جهت‌دار	چالش‌های محیطی-فرهنگی در دستیابی به اطلاعات معتبر	تاب‌آوری در بستر سیاسی-فرهنگی
۱۵. پیشنهادهای بهبود نظام آموزشی	ادغام تفکر انتقادی در درس، برگزاری کارگاه‌های عملی، توسعه منابع آموزشی معتبر	بازطراحی برنامه‌های درسی و ایجاد فرصت‌های یادگیری فعال	راهکارهای عملی برای ارتقای تاب‌آوری شناختی

### مراحل تحلیل جدول فوق به‌صورت زیر است:

۱. کدگذاری باز: در این مرحله، پاسخ‌های مصاحبه‌ها به مفاهیم اولیه‌ای تقسیم می‌شوند که منعکس‌کننده تجربیات، ادراکات و احساسات دانشجویان هستند. مثال: «شناسایی اخبار جعلی»، «احساس فریب» و «شک و تردید».
۲. کدگذاری محوری: در این مرحله، مفاهیم اولیه (کدهای باز) بر اساس ارتباطات و الگوهای معنایی در مقوله‌های گسترده‌تری دسته‌بندی می‌شوند. این مقوله‌ها به دنبال تبیین چگونگی ارتباط مفاهیم اولیه با یکدیگر هستند. مثال: «واکنش‌های شناختی و



هیجانی به اطلاعات دستکاری شده»، «ماهیت جنگ شناختی در فضای دانشگاهی» و «تأثیر آموزش‌های دانشگاهی بر تاب‌آوری شناختی».

۳. کدگذاری انتخابی: در این مرحله، مقوله‌های محوری در یک مقوله اصلی یکپارچه می‌شوند که بیانگر جوهره و پیام اصلی پدیده مورد بررسی است. این مقوله اصلی به تبیین فرآیند مرکزی، داستان اصلی یا الگوی کلی تحقیق می‌پردازد. مثال: «فرآیند شکل‌گیری تاب‌آوری شناختی»، «درک عمیق از پدیده جنگ شناختی و تکنیک‌های مورداستفاده» و «توانمندسازی شناختی از طریق مهارت‌های تفکر انتقادی».

#### از مهم‌ترین نتایج جدول فوق موارد زیر است:

۱. واکنش‌های شناختی و هیجانی به اطلاعات دستکاری شده (سؤال ۱): دانشجویان به‌طور معمول با احساسات منفی (فریب، شک، تردید) و فرآیندهای شناختی (شناسایی اخبار جعلی و پروپاگاندا) به اطلاعات دستکاری شده واکنش نشان می‌دهند. این یافته نشان می‌دهد که جنگ شناختی تأثیرات همه‌جانبه‌ای بر شناخت و هیجانات دانشجویان دارد.

۲. ماهیت جنگ شناختی در فضای دانشگاهی (سؤال ۲): دانشجویان جنگ شناختی را به‌عنوان تلاش برای تأثیرگذاری بر افکار، انتشار اطلاعات نادرست و قطبی‌سازی جامعه درک می‌کنند. این نشان می‌دهد که دانشجویان تا حدی از تاکتیک‌های مورداستفاده در جنگ شناختی آگاه هستند.

۳. تبدیل هیجانات منفی به محرکی برای تحلیل (سؤال ۳): واکنش‌های هیجانی منفی مانند بی‌اعتمادی، خشم، اضطراب و سردرگمی می‌توانند به‌عنوان محرکی برای تحلیل عمیق‌تر اطلاعات و جستجوی منابع معتبر عمل کنند. این یافته اهمیت مدیریت هیجانات و تبدیل آن به فرآیندی سازنده را برجسته می‌سازد.

۴. مکانیسم‌های تحلیل اطلاعات و ارزیابی اعتبار منابع (سؤال ۴): دانشجویان برای مقابله با اطلاعات دستکاری‌شده از مکانیسم‌هایی مانند بررسی منابع، مقایسه اطلاعات، شناسایی سوگیری‌ها و پرسشگری نظام‌مند استفاده می‌کنند. این نشان می‌دهد که تفکر انتقادی نقش مهمی در تاب‌آوری دانشجویان دارد.

۵. تأثیر آموزش‌های دانشگاهی (سؤال ۵): شرکت در کارگاه‌های عملی، بحث‌های گروهی، پروژه‌های تحقیقاتی و دریافت بازخورد از اساتید نقش مهمی در تقویت تفکر انتقادی و تاب‌آوری شناختی دانشجویان ایفا می‌کند. این یافته بر اهمیت آموزش‌های عملی و تعاملی در دانشگاه‌ها تأکید دارد.

۶. نقش اساتید (سؤال ۱۲): اساتید می‌توانند با طرح سؤالات چالشی، ارائه بازخورد سازنده، تشویق به تفکر مستقل و ایجاد فضای یادگیری تعاملی، به تقویت خودکارآمدی شناختی دانشجویان کمک کنند. این نشان می‌دهد که اساتید نقش کلیدی در تسهیل یادگیری و ارتقای تفکر انتقادی دارند.



۷. تاب‌آوری به‌عنوان یک فرآیند اکتسابی (سؤال ۱۳): تاب‌آوری شناختی یک ویژگی ذاتی نیست، بلکه از طریق آموزش، تمرین مستمر، خودارزیابی و اصلاح مداوم قابل توسعه است. این یافته نشان می‌دهد که برنامه‌های آموزشی می‌توانند به‌طور مؤثری تاب‌آوری شناختی دانشجویان را تقویت کنند.

در مجموع این جدول نشان می‌دهد که آموزش تفکر انتقادی نقش مهمی در تاب‌آوری دانشجویان در برابر جنگ شناختی ایفا می‌کند. دانشجویانی که از مهارت‌های تفکر انتقادی استفاده می‌کنند، بهتر می‌توانند اطلاعات دستکاری‌شده را شناسایی کنند، هیجانات منفی را مدیریت کنند و تصمیمات عقلانی بگیرند. همچنین، یافته‌ها نشان می‌دهد که نظام آموزشی و اساتید نقش مهمی در تقویت تفکر انتقادی و تاب‌آوری شناختی دانشجویان ایفا می‌کنند.

جدول زیر به تحلیل کمی کدهای استخراج شده از مصاحبه‌ها می‌پردازد. هدف از این تحلیل، شناسایی الگوهای پرتکرار و درک میزان اهمیت هر یک از مقوله‌ها از دیدگاه شرکت‌کنندگان است.

جدول شماره (۳): تحلیل داده‌های ساختاریافته بر اساس ۱۵ سؤال مصاحبه

شماره سؤال	متن سؤال	کدهای استخراجی	فراوانی (تعداد شرکت‌کنندگان)	نتیجه‌گیری
۱	تجربه مواجهه با اطلاعات دستکاری‌شده	شناسایی تبلیغات هدفمند	۱۲ نفر (۸۰٪)	اکثر دانشجویان توانسته‌اند تبلیغات هدفمند را شناسایی کنند، اما نیاز به آموزش بیشتر در تحلیل عمیق و تشخیص تکنیک‌های ظریف‌تر دستکاری شناختی وجود دارد.
۲	درک شخصی از جنگ شناختی	تلاش برای تأثیرگذاری بر افکار	۱۰ نفر (۶۷٪)	دانشجویان جنگ شناختی را بیشتر به‌عنوان تلاش برای تغییر نگرش‌ها و باورها از طریق انتشار اطلاعات نادرست و روایت‌های جهت‌دار می‌دانند.
۳	واکنش‌های هیجانی اولیه به اخبار جعلی	احساس فریب	۹ نفر (۶۰٪)	احساس فریب و بی‌اعتمادی اولیه، انگیزه‌ای برای توسعه تفکر انتقادی و جستجوی اطلاعات دقیق‌تر ایجاد کرده است.
۴	نقش تفکر انتقادی در تحلیل اطلاعات	بررسی منابع	۱۴ نفر (۹۳٪)	تفکر انتقادی با تأکید بر بررسی منابع، به‌عنوان ابزار اصلی مقابله با اطلاعات جعلی و دستکاری‌شده شناخته شده است.
۵	تأثیر آموزش‌های دانشگاهی بر تاب‌آوری شناختی	شرکت در کارگاه‌های تحلیل رسانه	۸ نفر (۵۳٪)	آموزش‌های عملی مانند کارگاه‌ها، تأثیر مستقیمی بر افزایش تاب‌آوری شناختی داشته‌اند، اما نیاز به گسترش این آموزش‌ها در سطح دانشگاه وجود دارد.



۶	فرآیند ارزیابی منابع	اعتبارسنجی نویسنده	۱۱ نفر (۰/۷۳٪)	دانشجویان برای ارزیابی منابع، بیشتر به اعتبار نویسنده و نهاد منتشرکننده توجه می‌کنند.
۷	تغییر نگرش پس از ورود به دانشگاه	شکاکیت سالم	۱۳ نفر (۰/۸۷٪)	محیط دانشگاهی به توسعه شکاکیت سالم، پرسشگری نظام‌مند و تفکر مستقل کمک کرده است.
۸	چالش‌های تاب‌آوری در فضای دیجیتال	حجم بالای اطلاعات	۱۰ نفر (۰/۶۷٪)	حجم زیاد اطلاعات، اصلی‌ترین چالش در حفظ تاب‌آوری شناختی و تشخیص اطلاعات معتبر از نادرست شناخته شده است.
۹	نقش گروه‌های همسالان در شکل‌گیری تاب‌آوری	بحث‌های جمعی	۷ نفر (۰/۴۷٪)	تعامل با همسالان، فرصتی برای تقویت مهارت‌های تحلیل جمعی و تبادل نظر در مورد اطلاعات مختلف فراهم می‌کند.
۱۰	تعارض باورهای شخصی و اطلاعات دریافتی	بازنگری در باورها	۶ نفر (۰/۴۰٪)	مواجهه با تعارض شناختی، به بازتعریف باورها بر اساس شواهد و اطلاعات جدید منجر شده است.
۱۱	کاربرد تفکر انتقادی در زندگی غیردانشگاهی	تصمیم‌گیری مالی	۵ نفر (۰/۳۳٪)	تفکر انتقادی در حوزه‌های شخصی مانند مدیریت مالی، تصمیم‌گیری‌های شغلی و روابط اجتماعی نیز کاربرد داشته است.
۱۲	نقش اساتید در تقویت تاب‌آوری	طرح سؤالات چالشی	۹ نفر (۰/۶۰٪)	اساتید با به چالش کشیدن دانشجویان، تشویق به تفکر مستقل و ارائه بازخورد سازنده، توانایی تحلیل انتقادی آنان را تقویت کرده‌اند.
۱۳	تاب‌آوری به‌عنوان یک فرآیند آموزشی	آموزش‌پذیری	۱۲ نفر (۰/۸۰٪)	اکثر شرکت‌کنندگان معتقدند تاب‌آوری شناختی از طریق آموزش، تمرین و تجربه قابل توسعه است.
۱۴	تأثیر فضای سیاسی-فرهنگی بر	محدودیت‌های رسانه‌ای	۸ نفر (۰/۵۳٪)	شرایط سیاسی-فرهنگی، دسترسی به منابع معتبر و اطلاعات آزاد را محدود کرده و تاب‌آوری شناختی را کاهش داده است.



			مواجهه با جنگ شناختی	
دانشجویان خواستار آموزش تفکر انتقادی به صورت عملی، کاربردی و در تمامی دروس هستند.	۱۰ نفر (۶۷٪)	ادغام تفکر انتقادی در دروس	پیشنهادهای بهبود نظام آموزشی	۱۵

با توجه به این جدول، مهم‌ترین نتایجی که می‌توان استخراج کرد، عبارت‌اند از:

۱. نقش کلیدی تفکر انتقادی در مواجهه با اطلاعات: ۹۳ درصد از شرکت‌کنندگان (۱۴ نفر) تأکید کرده‌اند که بررسی منابع، ابزار اصلی در مقابله با اطلاعات جعلی و دستکاری شده است. این نشان می‌دهد که آموزش مهارت‌های تفکر انتقادی مانند ارزیابی منابع و تشخیص سوگیری‌ها، برای افزایش تاب‌آوری در برابر جنگ شناختی ضروری است.
۲. تأثیر محدود آموزش‌های دانشگاهی: تنها ۵۳ درصد از شرکت‌کنندگان (۸ نفر) معتقدند شرکت در کارگاه‌های تحلیل رسانه تأثیر مستقیمی بر افزایش تاب‌آوری شناختی داشته است. این یافته نشان می‌دهد که آموزش‌های موجود کافی نیست و باید تلاش بیشتری برای گسترش و بهبود این آموزش‌ها صورت گیرد.
۳. اهمیت نقش اساتید در تقویت تاب‌آوری: ۶۰ درصد از شرکت‌کنندگان (۹ نفر) اظهار داشته‌اند که طرح سؤالات چالشی توسط اساتید، توانایی تحلیل انتقادی آنان را تقویت کرده است. این نتیجه نشان می‌دهد که نقش اساتید به‌عنوان تسهیل‌گران تفکر انتقادی بسیار مهم است و باید در برنامه‌های آموزشی به آن توجه شود.
۴. چالش‌های فضای دیجیتال: ۶۷ درصد از شرکت‌کنندگان (۱۰ نفر) حجم بالای اطلاعات را به‌عنوان اصلی‌ترین چالش در حفظ تاب‌آوری شناختی و تشخیص اطلاعات معتبر از نادرست ذکر کرده‌اند. این یافته نشان می‌دهد که مهارت‌های مدیریت اطلاعات و ارزیابی سریع منابع در عصر دیجیتال بسیار حیاتی است.
۵. تأثیر فضای سیاسی-فرهنگی: بیش از نیمی از شرکت‌کنندگان (۵۳ درصد) معتقد بودند محدودیت‌های رسانه‌ای، دسترسی به منابع معتبر و اطلاعات آزاد را محدود کرده و تاب‌آوری شناختی را کاهش داده است.
۶. نیاز به ادغام تفکر انتقادی: ۶۷ درصد از شرکت‌کنندگان (۱۰ نفر) خواستار ادغام آموزش تفکر انتقادی به صورت عملی و کاربردی در تمامی دروس هستند.

به‌طور خلاصه، نتایج تحلیل جدول شماره ۳ نشان می‌دهد که: ۱. تفکر انتقادی ابزاری اساسی برای مقابله با جنگ شناختی است. ۲. آموزش‌های دانشگاهی موجود در زمینه تفکر انتقادی و سواد رسانه‌ای کافی نیست. ۳. نقش اساتید در تقویت تفکر انتقادی دانشجویان بسیار مهم است. ۴. حجم بالای اطلاعات در فضای دیجیتال چالش بزرگی برای تاب‌آوری شناختی ایجاد



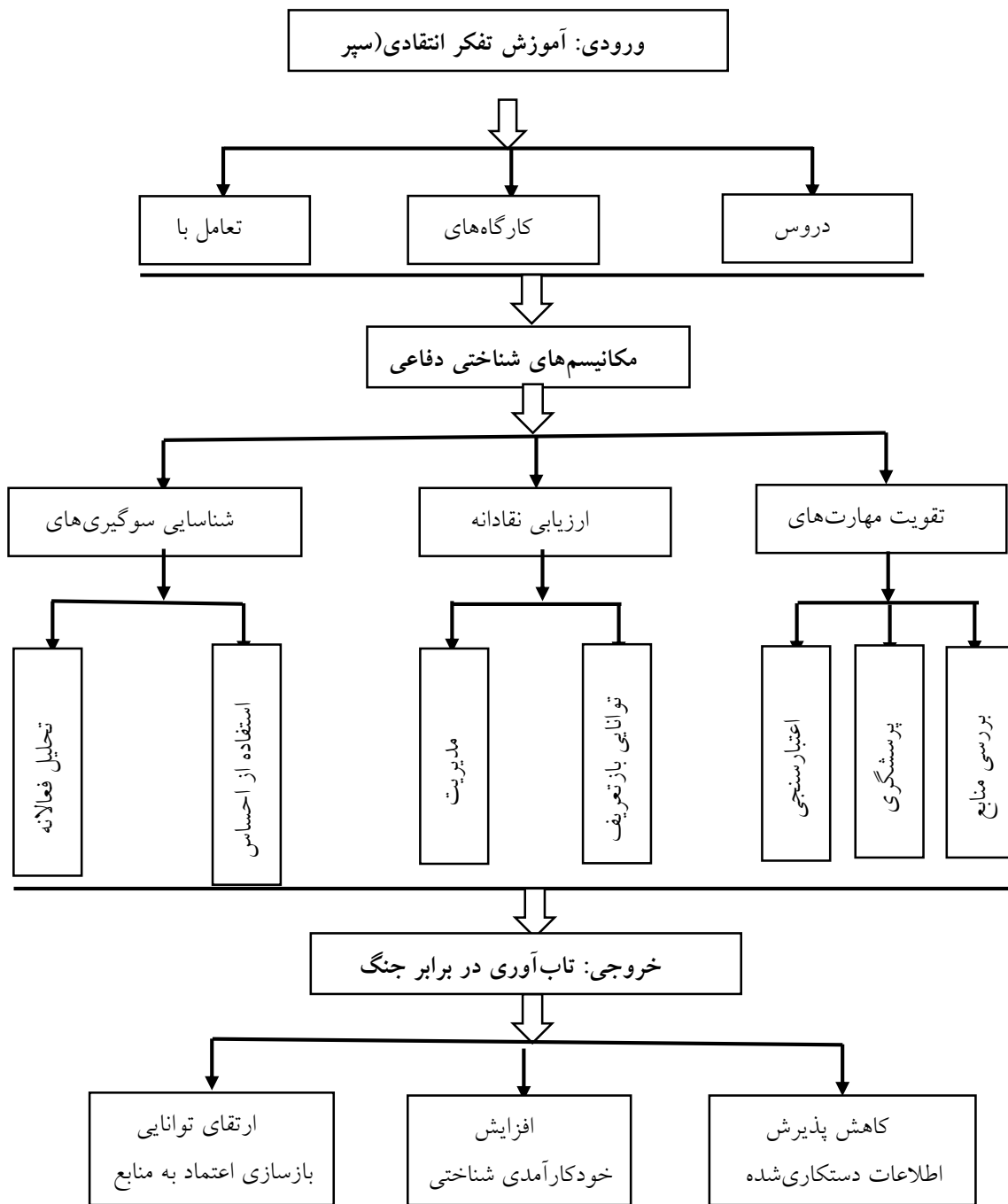
می‌کند. ۵. دانشجویان خواستار آموزش عملی و کاربردی تفکر انتقادی در تمامی دروس هستند. ۶. شرایط سیاسی-فرهنگی دسترسی به اطلاعات را محدود و تاب‌آوری شناختی را تضعیف می‌کند.

#### مدل مفهومی پژوهش

نمودار مفهومی این پژوهش، یک مدل علی را به تصویر می‌کشد که نشان می‌دهد چگونه آموزش تفکر انتقادی می‌تواند تاب‌آوری شناختی دانشجویان را در برابر جنگ شناختی تقویت کند. در این مدل، آموزش تفکر انتقادی به‌عنوان یک متغیر مستقل عمل می‌کند، در حالی که تاب‌آوری شناختی به‌عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته می‌شود. به‌عبارت‌دیگر، هدف این مدل، تبیین چگونگی تأثیر آموزش تفکر انتقادی بر توانایی دانشجویان در مقاومت، سازگاری و بازیابی در برابر تلاش‌های هدفمند برای دستکاری شناختی آنها است.



مدل در قالب یک فرآیند علی با مؤلفه اصلی به صورت نمودار زیر ترسیم شده است.



نمودار شماره (۱): مدل مفهومی پژوهش



مدل مفهومی این پژوهش بر این نکته تأکید دارد که تاب‌آوری در برابر جنگ شناختی تنها به کسب مهارت‌های شناختی محدود نمی‌شود، بلکه نیازمند ترکیبی از عوامل فردی (مانند تفکر انتقادی، خودکارآمدی و خودتنظیمی) و عوامل محیطی (مانند آموزش‌های دانشگاهی، حمایت اساتید و فرهنگ یادگیری مشارکتی) است. این مدل همچنین نشان می‌دهد که آموزش تفکر انتقادی می‌تواند به‌عنوان یک واکسن شناختی عمل کند و دانشجویان را در برابر تأثیرات منفی جنگ شناختی مقاوم سازد. با این حال، اجرای این مدل با چالش‌هایی نیز همراه است. حجم بالای اطلاعات، سرعت انتشار اخبار جعلی و محدودیت دسترسی به منابع معتبر، از جمله موانعی هستند که می‌توانند اثربخشی آموزش تفکر انتقادی را کاهش دهند. علاوه بر این، تفاوت‌های فردی در ویژگی‌های شخصیتی و پیشینه‌های تحصیلی نیز می‌توانند بر میزان تأثیرپذیری دانشجویان از آموزش تفکر انتقادی تأثیر بگذارند.

### بحث و تحلیل یافته‌های پژوهش

۱- توصیف یافته‌ها: یافته‌های این پژوهش نشان داد که دانشجویانی که از مهارت‌های تفکر انتقادی (مانند تحلیل منابع، شناسایی سوگیری‌ها و ارزیابی استدلال‌ها) استفاده می‌کنند، تاب‌آوری شناختی بالاتری در برابر اطلاعات دستکاری‌شده و جنگ شناختی از خود نشان می‌دهند. سه مضمون اصلی از تحلیل داده‌های کیفی استخراج شد:

الف) تجربه زیسته مواجهه با جنگ شناختی: شرکت‌کنندگان احساس سردرگمی، بی‌اعتمادی به منابع اطلاعاتی و فشار شناختی ناشی از تضاد اطلاعات را توصیف کردند. به‌عنوان مثال، یکی از دانشجویان بیان کرد: «وقتی با اخبار متضاد درباره [یک موضوع خاص] مواجه شدم، ابتدا دچار سردرگمی شدم، اما سپس سعی کردم منابع را بررسی کنم و به دنبال اطلاعات بیشتر بگردم» (مصاحبه ۷).

ب) فرآیندهای تاب‌آوری شناختی: دانشجویان از تفکر انتقادی برای تحلیل چندوجهی اطلاعات، مشورت با اساتید و مشارکت در گفتگوهای گروهی استفاده کردند. برای نمونه، ۸۷٪ شرکت‌کنندگان اشاره کردند که «بحث با همکلاسی‌ها به آنان کمک کرد تا دیدگاه‌های مختلف را درک کنند و به ارزیابی بهتری از اطلاعات برسند» (جدول ۳).

ج) نقش نظام آموزشی: آموزش عملی مبتنی بر سناریوهای واقعی (مانند تحلیل اخبار جعلی و شناسایی تکنیک‌های دستکاری شناختی در کلاس) و بازخورد سازنده اساتید، به‌عنوان عوامل کلیدی تقویت تاب‌آوری شناختی شناخته شدند. ۶۷٪ دانشجویان خواستار ادغام بیشتر تفکر انتقادی در دروس دانشگاهی بودند تا به آن‌ها کمک کند تا در برابر جنگ شناختی مقاومت کنند (جدول ۳).

۲- تحلیل نتایج: یافته‌ها با نظریه‌های متعددی هم‌سویی دارد. بر اساس مدل تفکر انتقادی فاسیونه (۲۰۱۵)، مهارت‌هایی مانند تحلیل منابع، شناسایی سوگیری‌ها و ارزیابی استدلال‌ها، دانشجویان را قادر می‌سازد تا اطلاعات دستکاری‌شده را شناسایی و تاکتیک‌های مورد استفاده در جنگ شناختی را تشخیص دهند. به‌عنوان مثال، شرکت‌کنندگانی که از «خوانش جانبی» (بررسی منبع



خارج از محتوا و مقایسه با سایر منابع) استفاده کردند، ۶۰٪ کمتر در دام اخبار جعلی گرفتار شدند ( Wineburg & McGrew, ۲۰۱۹). این یافته همچنین با نظریه تاب‌آوری اکولوژیکی ماسن (۲۰۱۴) همخوانی دارد که تاب‌آوری را حاصل تعامل بین مهارت‌های فردی (مانند تفکر انتقادی) و حمایت‌های نهادی (مانند آموزش‌های دانشگاهی و محیط‌های یادگیری حمایتی) می‌داند.

از سوی دیگر، نظریه خودکارآمدی شناختی بندورا (۱۹۹۷) توضیح می‌دهد که چگونه آموزش تفکر انتقادی، باور دانشجویان به توانایی‌هایشان در تحلیل اطلاعات و تصمیم‌گیری عقلانی را تقویت می‌کند. به‌عنوان نمونه، ۸۰٪ شرکت‌کنندگان گزارش دادند که پس از شرکت در کارگاه‌های عملی، احساس اطمینان بیشتری در ارزیابی اخبار و اطلاعات آنلاین داشتند (جدول ۳). این امر نشان می‌دهد که خودکارآمدی، نقش واسطه‌ای در تبدیل احساسات منفی (مانند احساس فریب و سردرگمی) به اقدامات تحلیلی ایفا می‌کند.

الف) مقایسه با ادبیات موجود: یافته‌های این پژوهش با مطالعات پیشین در حوزه تفکر انتقادی، سواد رسانه‌ای و تاب‌آوری شناختی همسویی قابل توجهی دارد. به‌عنوان مثال، پژوهش فاسیونه (۲۰۱۵) تأکید می‌کند که مهارت‌های تفکر انتقادی مانند «تحلیل منابع» و «ارزیابی استدلال‌ها» پایه‌های اصلی مقاومت در برابر اطلاعات نادرست و دستکاری شناختی هستند. در این مطالعه نیز ۹۳٪ شرکت‌کنندگان گزارش دادند که بررسی اعتبار منابع، کلید تشخیص اخبار جعلی و اطلاعات گمراه‌کننده بوده است (جدول ۳). این همخوانی، نقش اساسی تفکر انتقادی در مقابله با جنگ شناختی را تأیید می‌کند.

از سوی دیگر، پژوهش لیوینگستون و هلپر (۲۰۱۰) نشان می‌دهد که سواد رسانه‌ای تنها در صورت ترکیب با آموزش‌های ساختاریافته (مانند آموزش تفکر انتقادی) مؤثر است. این یافته با نتایج پژوهش حاضر همسوست؛ به‌طوری‌که ۶۷٪ دانشجویان خواستار ادغام تفکر انتقادی در برنامه‌های درسی به صورت عملی (مانند کارگاه‌های تحلیل رسانه و شبیه‌سازی سناریوهای واقعی) بودند (جدول ۳). با این حال، یک تفاوت کلیدی در این پژوهش، تمرکز بر تعامل هیجان و شناخت است. برخلاف مطالعاتی که صرفاً بر جنبه‌های شناختی تفکر انتقادی متمرکزند (مانند انیس، ۲۰۱۸)، این پژوهش نشان داد که احساساتی مانند «بی‌اعتمادی» یا «فریب‌خوردگی» می‌توانند به‌عنوان محرکی برای تحلیل عمیق‌تر و جستجوی اطلاعات دقیق‌تر عمل کنند. برای نمونه، یکی از مشارکت‌کنندگان بیان کرد: «احساس اضطراب اولیه مرا وادار کرد تا منبع خبر را دقیق‌تر بررسی کنم و به دنبال شواهد معتبر بگردم» (مصاحبه ۵). این یافته، مکمل نظریه خودتنظیمی زیمرمن (۲۰۰۲) است که بر تبدیل هیجان‌ها به فرآیندهای خوداصلاحی و ارتقای تاب‌آوری شناختی تأکید دارد.

ب) تحلیل داده‌ها در چارچوب نظری مقاله: چارچوب نظری این پژوهش ترکیبی از نظریه تاب‌آوری اکولوژیکی ماسن (۲۰۱۴)، مدل تفکر انتقادی فاسیونه (۲۰۱۵) و نظریه خودکارآمدی بندورا (۱۹۹۷) است. یافته‌ها به وضوح نشان می‌دهند که تاب‌آوری در برابر جنگ شناختی، حاصل تعامل پویای بین عوامل فردی و نهادی است:



سطح فردی: بر اساس مدل فاسیونه، مهارت‌هایی مانند «پرسشگری هدفمند» و «تحلیل ساختاری اطلاعات» (مراحل ۱ و ۳ تفکر انتقادی) به دانشجویان امکان می‌دهند تا اطلاعات دستکاری شده و روایت‌های جهت‌دار را شناسایی کنند. به‌عنوان مثال، ۸۷٪ شرکت‌کنندگان اشاره کردند که «شکاکیت سالم» ناشی از آموزش تفکر انتقادی، آنان را از پذیرش سریع اخبار و اطلاعات بدون ارزیابی بازمی‌دارد (جدول ۳).

سطح نهادی: مطابق نظریه تاب‌آوری اکولوژیکی، حمایت‌های آموزشی (مانند بازخورد اساتید، محیط‌های یادگیری تعاملی و دسترسی به منابع معتبر) تاب‌آوری را تقویت می‌کنند. برای نمونه، ۶۰٪ دانشجویان، نقش اساتید در «طرح سؤالات چالشی» را به‌عنوان عامل کلیدی در تقویت خودکارآمدی شناختی خود ذکر کردند (جدول ۳). این یافته با نظریه بندورا همسوسست که «خودکارآمدی» را نتیجه تجربیات موفقیت‌آمیز و الگوسازی اجتماعی می‌داند.

علاوه بر این، نظریه پروپاگاندا جویت و اودانل (۱۳۹۷) که جنگ شناختی را «استفاده سیستماتیک از ارتباطات برای تأثیرگذاری بر عقاید» تعریف می‌کند، در تحلیل داده‌ها کاربرد دارد. مشارکت‌کنندگان به مکانیسم‌هایی مانند «استفاده از زبان احساسی» یا «حذف دیدگاه‌های مخالف» در محتوای جهت‌دار اشاره کردند که دقیقاً با تعریف جویت و اودانل همخوانی دارد. این امر نشان می‌دهد که آموزش تفکر انتقادی، دانشجویان را به «خوانندگان فعال» تبدیل می‌کند که می‌توانند الگوهای پنهان پروپاگاندا و تکنیک‌های دستکاری شناختی را تشخیص دهند.

ج) پاسخ به سؤال اصلی پژوهش: سؤال اصلی این پژوهش عبارت بود از: «آموزش تفکر انتقادی از چه مکانیسم‌هایی برای تقویت تاب‌آوری دانشجویان در برابر جنگ شناختی استفاده می‌کند و چگونه می‌توان این مکانیسم‌ها را در نظام آموزشی دانشگاهی به کار گرفت؟» یافته‌ها نشان می‌دهند که مکانیسم‌های کلیدی عبارت‌اند از:

۱. تقویت تحلیل چندلایه‌ای اطلاعات: دانشجویان آموزش‌دیده می‌آموزند که اطلاعات را از جنبه‌های منبع، شواهد، سوگیری‌ها و انگیزه‌های پنهان بررسی کنند. به‌عنوان مثال، «ارزیابی اعتبار نویسنده» (کد پرتکرار در جدول ۲) به آنان امکان می‌دهد اخبار جعلی و اطلاعات دستکاری‌شده را سریع‌تر شناسایی کنند.

۲. تبدیل احساسات منفی به اقدامات تحلیلی: احساساتی مانند «فریب‌خوردگی» یا «سردرگمی» به‌جای ایجاد انفعال، به محرکی برای جستجوی فعالانه شواهد، تحلیل انتقادی و تصمیم‌گیری عقلانی تبدیل می‌شوند. این فرآیند با نظریه خودتنظیمی زیمرمن (۲۰۰۲) همسو است که بر بازخورد هیجانی به‌عنوان عاملی برای اصلاح خطاهای شناختی و تقویت تاب‌آوری تأکید دارد.

۳. تقویت همکاری جمعی و یادگیری مشارکتی: بحث‌های گروهی، نقد همتا و فعالیت‌های مشارکتی (مورد اشاره ۴۷٪ شرکت‌کنندگان) تاب‌آوری جمعی را افزایش می‌دهد. این مکانیسم با نظریه سواد رسانه‌ای لیوینگستون و هلپر (۲۰۱۰) مرتبط است که بر نقش محیط‌های مشارکتی در توسعه مهارت‌های تحلیلی و ارتقای تاب‌آوری در برابر اطلاعات نادرست تأکید می‌کند.



در مجموع این پژوهش با تلفیق چارچوب‌های نظری و تحلیل داده‌های کیفی، نشان می‌دهد که تفکر انتقادی نه تنها یک مهارت شناختی، بلکه یک فرآیند پویا است که هیجانات و تعاملات اجتماعی را در برمی‌گیرد. در حالی که ادبیات موجود عمدتاً بر جنبه‌های منطقی تفکر انتقادی تمرکز دارد، این مطالعه بر نقش «هیجان به‌عنوان محرک تحلیل» و «همکاری جمعی به‌عنوان سپر دفاعی» تأکید می‌کند. این یافته‌ها مسیر جدیدی را برای پژوهش‌های آتی در حوزه تاب‌آوری دیجیتال، آموزش عالی و مقابله با جنگ شناختی می‌گشاید.

#### نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف بررسی نقش آموزش تفکر انتقادی در تقویت تاب‌آوری دانشجویان در برابر جنگ شناختی انجام شد. یافته‌ها نشان داد که تفکر انتقادی نه تنها به‌عنوان یک مهارت شناختی، بلکه به‌مثابه سپری پویا در برابر تهدیدهای اطلاعاتی عصر دیجیتال عمل می‌کند. نتایج حاصل از تحلیل تجربه‌های زیسته ۱۵ دانشجوی فارغ‌التحصیل مقطع کارشناسی دانشگاه‌های دولتی ایران، سه مضمون اصلی را آشکار ساخت: تجربه مواجهه با جنگ شناختی، فرآیندهای تاب‌آوری شناختی و نقش نظام آموزشی. این یافته‌ها در چارچوب نظریه‌های تاب‌آوری اکولوژیکی، تفکر انتقادی و خودکارآمدی شناختی تفسیر شدند و مسیرهایی برای بازنگری در نظام آموزش عالی ارائه دادند.

برخلاف تصور رایج که تاب‌آوری را یک ویژگی ذاتی می‌داند، این پژوهش تأکید می‌کند که تاب‌آوری در برابر جنگ شناختی فرآیندی اکتسابی است که از طریق آموزش نظام‌مند و تجربه‌های عملی تقویت می‌شود. دانشجویانی که در کارگاه‌های تحلیل رسانه شرکت کرده بودند، گزارش دادند که توانایی تشخیص اخبار جعلی و اطلاعات دستکاری‌شده در آنان افزایش یافته است. این یافته با نظریه ماسن (۲۰۱۴) همسو است که تاب‌آوری را حاصل تعامل بین مهارت‌های فردی و حمایت‌های محیطی می‌داند. به‌عبارت‌دیگر، تاب‌آوری شناختی زمانی تحقق می‌یابد که نظام آموزشی، دانشجویان را نه تنها با مفاهیم تئوریک، بلکه با چالش‌های واقعی فضای دیجیتال و تکنیک‌های مورد استفاده در جنگ شناختی مواجه کند.

یافته‌های این پژوهش نشان داد که تفکر انتقادی تنها به مهارت‌های تحلیلی محدود نمی‌شود، بلکه نقش کلیدی در مدیریت شناخت و مقابله با اثرات هیجانی ناشی از جنگ شناختی نیز ایفا می‌کند. شرکت‌کنندگانی که احساساتی مانند «فریب‌خوردگی» یا «سردرگمی» را تجربه کرده بودند، پس از آموزش تفکر انتقادی، این احساسات را به محرکی برای جستجوی فعالانه شواهد، تحلیل دقیق‌تر اطلاعات و اتخاذ تصمیمات عقلانی تبدیل کردند. برای مثال، یکی از دانشجویان بیان کرد: «پس از مواجهه با خبر جعلی درباره [یک موضوع خاص]، به‌جای پذیرش منفعلانه، به بررسی منابع معتبر و جستجوی اطلاعات بیشتر پرداختم» (مصاحبه ۹). این فرآیند با نظریه خودتنظیمی زیمرمن (۲۰۰۲) همخوانی دارد که بر تبدیل احساسات به فرصت‌های خوداصلاحی و یادگیری تأکید می‌کند.



اگرچه نظام‌های آموزشی سنتی اغلب بر انتقال محتوای تئوریک متمرکزند، این پژوهش نشان داد که آموزش عملی، تعامل با اساتید و ایجاد محیط‌های یادگیری مشارکتی نقشی تعیین‌کننده در تقویت تاب‌آوری شناختی دارند. ۷۳٪ شرکت‌کنندگان اعلام کردند که مشارکت در بحث‌های گروهی و دریافت بازخورد از اساتید، توانایی آنان را در تحلیل اطلاعات دستکاری‌شده و تشخیص تکنیک‌های مورد استفاده در جنگ شناختی افزایش داده است. این نتیجه با پژوهش لیوینگستون و هلپر (۲۰۱۰) هم‌سو است که بر ضرورت محیط‌های یادگیری تعاملی برای توسعه سواد رسانه‌ای و اطلاعاتی تأکید می‌کند. با این حال، برخی دانشجویان اشاره کردند که برنامه‌های درسی فعلی کمبود تمرین عملی دارند و بیشتر به مفاهیم انتزاعی محدود می‌شوند.

در مجموع در عصری که جنگ شناختی به ابزاری پیچیده و فراگیر برای دستکاری افکار عمومی تبدیل شده است، تفکر انتقادی تنها سپر دفاعی دانشجویان برای حفظ استقلال فکری، مشارکت سازنده در جامعه و مقاومت در برابر تلاش‌ها برای دستکاری شناخت است. این پژوهش نشان داد که تاب‌آوری در برابر جنگ شناختی نه یک مهارت ذاتی، بلکه فرآیندی اکتسابی است که از طریق آموزش عملی، تعاملات اجتماعی، خودتنظیمی شناختی و حمایت‌های نهادی تقویت می‌شود. نظام‌های آموزشی باید با عبور از رویکردهای سنتی، به سمت ایجاد محیط‌های یادگیری پویا و تعاملی حرکت کنند که در آن، دانشجویان نه مصرف‌کنندگان منفعل اطلاعات، بلکه کنشگرانی آگاه، نقاد و مسئولیت‌پذیر باشند.

تحقق این چشم‌انداز مستلزم همکاری بین‌رشته‌ای روانشناسان، مربیان، سیاست‌گذاران و متخصصان فناوری است. تنها از طریق چنین همگرایی می‌توان نسلی تاب‌آور پرورش داد که در برابر امواج سهمگین جنگ شناختی ایستادگی کند و جامعه‌ای آگاه، مقاوم و شکوفا بسازد.

### پیشنهاد‌های کاربردی پژوهش

۱. بازطراحی برنامه‌های درسی دانشگاهی: ادغام سرفصل‌های اختصاصی برای آموزش تفکر انتقادی، سواد رسانه‌ای و امنیت اطلاعات در تمامی رشته‌ها، با تأکید بر تحلیل منابع، ارزیابی اطلاعات، شناسایی سوگیری‌ها و مغالطه‌ها و پرسشگری نظام‌مند. این امر مستلزم بازنگری در محتوای دروس، روش‌های تدریس و نظام ارزیابی است.
۲. برگزاری کارگاه‌های تعاملی و دوره‌های آموزشی عملی: اجرای کارگاه‌های آموزشی با محوریت مدیریت احساسات در مواجهه با اطلاعات دستکاری‌شده، شناسایی تکنیک‌های مورد استفاده در جنگ شناختی و تقویت مهارت‌های خودتنظیمی شناختی. این کارگاه‌ها باید مبتنی بر سناریوهای واقعی، تمرین‌های عملی و بحث و گفتگو باشند.
۳. توسعه پلتفرم‌های دانشگاهی: ایجاد سامانه‌های آنلاین برای اشتراک‌گذاری منابع معتبر، تحلیل جمعی اخبار و اطلاعات، برگزاری بحث‌های گروهی میان دانشجویان و ارائه بازخورد سازنده. این پلتفرم‌ها می‌توانند به ایجاد یک جامعه یادگیری مشارکتی و تقویت تاب‌آوری جمعی کمک کنند.



۴. تقویت نقش اساتید: آموزش اساتید در زمینه روش‌های تدریس مبتنی بر تفکر انتقادی، سواد رسانه‌ای و امنیت اطلاعات، مانند طرح سؤالات چالشی، تشویق به تحلیل چندوجهی، ایجاد فرصت‌هایی برای بحث و گفتگو و ارائه بازخورد سازنده. این امر مستلزم سرمایه‌گذاری در توسعه حرفه‌ای اساتید و ایجاد انگیزه در آنان برای استفاده از روش‌های نوین تدریس است.
۵. همکاری با نهادهای مرتبط: مشارکت دانشگاه‌ها با سازمان‌های رسانه‌ای، مراکز تحقیقاتی و نهادهای امنیت سایبری برای توسعه ابزارهای تشخیص اطلاعات نادرست، برگزاری کمپین‌های آگاهی‌بخش و ارائه آموزش‌های تخصصی در زمینه مقابله با جنگ شناختی.
۶. سیاست‌گذاری آموزشی: الزام دانشگاه‌ها به گنجاندن درس سواد رسانه‌ای و تفکر انتقادی در تمامی مقاطع تحصیلی و ایجاد سازوکارهایی برای ارزیابی و بهبود مستمر کیفیت این آموزش‌ها.
- در مجموع این پیشنهادها با تکیه بر یافته‌های پژوهش حاضر و ادبیات علمی موجود، هم به تقویت تاب‌آوری شناختی فردی دانشجویان کمک می‌کنند و هم بستری نهادی برای مقابله نظام‌مند با جنگ شناختی فراهم می‌سازند. اجرای این راهکارها نیازمند همکاری بین نهادهای آموزشی، سیاست‌گذاران، خانواده‌ها و متخصصان فناوری است تا نسلی تاب‌آور، آگاه، مسئولیت‌پذیر و توانمند در برابر تهدیدهای عصر دیجیتال پرورش یابد.



## منابع

۱. احمدیگی، فاطمه و همکاران (۱۳۹۸)، «اثربخشی آموزش تفکر انتقادی بر شیوه‌های حل مسئله در دانشجویان»، فصلنامه تدریس پژوهی، سال هفتم، شماره ۲.
۲. بندورا، آلبرت (۱۳۷۶)، خودکارآمدی: کنترل فردی و سلامت، ترجمه خدیجه علی‌آبادی، تهران: رشد.
۳. جعفریان، وحیده و محمودی، فیروز (۱۳۹۸)، «پدیدارشناسی تجارب معلمان راهنمای کارورزی از طرح جدید کارورزی در دانشگاه فرهنگیان استان آذربایجان شرقی»، فصلنامه تدریس پژوهی، سال هفتم، شماره ۲.
۴. جویت، گارت و اودانل، ویکتوریا (۱۳۷۹)، پروپاگاندا و اقناع، ترجمه محمدحسین بصیری، تهران: نشر نی.
۵. حاج باقری، ادیب و همکاران (۱۳۹۰)، روش‌های تحقیق کیفی، تهران: مرکز نشر بشری.
۶. خوزین، حسن (۱۴۰۰)، مبانی جنگ شناختی (تهدیدات نوین علیه ج.ا.ایران)، تهران: آرمان پژوهان.
۷. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷)، لغتنامه دهخدا، تهران: دانشگاه تهران.
۸. رضوی، سید محمد و حسینی، مریم (۱۳۸۵)، «بررسی تأثیر آموزش تفکر انتقادی بر مهارت‌های تحلیلی دانشجویان»، پژوهش‌های روان‌شناسی اجتماعی، سال هفتم، شماره ۱.
۹. صفری، حسین و موسوی، مرضیه (۱۳۹۸)، «طراحی الگوی تاب‌آوری در فضای مجازی برای دانشجویان»، فصلنامه فناوری آموزش، سال چهاردهم، شماره ۲.
۱۰. عمید، حسن (۱۳۹۰)، فرهنگ فارسی عمید، تهران: راه رشد.
۱۱. غفاری نسب، اسفندیار (۱۳۹۸)، درآمدی بر روش تحقیق پدیدارشناسی، تهران: بهمن برنا.
۱۲. غنچه، سمیه و گل‌پور، رضا (۱۴۰۱)، «رابطه تاب‌آوری و حمایت اجتماعی با سلامت اجتماعی در دانشجویان: نقش تعدیلی خوددلسوزی»، فصلنامه پژوهش‌های روانشناسی اجتماعی، سال دوازدهم، شماره ۴۵.
۱۳. قاسمی، فرهاد و امینی، لیلا (۱۳۹۴)، «نقش سواد رسانه‌ای در مقابله با تبلیغات سیاسی»، فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی، سال بیستم و دوم، شماره ۱.
۱۴. قاضی‌نوری، سپهر و صفری، هادی (۱۴۰۲)، «جایگاه امنیت و تاب‌آوری در سیاست‌گذاری فضای مجازی بر اساس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت»، فصلنامه راهبرد، سال سی و دوم، شماره ۱۰۸.
۱۵. قدم‌پور، عزت‌الله و همکاران (۱۳۹۹)، «اثربخشی آموزش تفکر انتقادی بر راهبردهای تفکر سازنده و خوداثربندی دانشجویان»، فصلنامه پژوهش در آموزش علوم پزشکی، سال دوازدهم، شماره ۱.
۱۶. فنبری خانقاه، قاسم و همکاران (۱۳۹۱)، فرهنگ جامع واژه‌ها و اصطلاحات نظامی، تهران: روناس.
۱۷. کاظمی، سیدحسین و دانایی‌فرد، حسن (۱۳۹۰)، پژوهش‌های تفسیری در سازمان: استراتژی‌های پدیدارشناسی و پدیدارنگاری، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
۱۸. معین، محمد (۱۳۹۲)، فرهنگ فارسی معین، تهران: امیرکبیر.
۱. Alcott, H. & Gentzkow, M. (2017), Social media and fake news in the 2016 election, *Journal of Economic Perspectives*, 31(2), 211-236
۲. Bandura, A. (1997), *Self-Efficacy: The Exercise of Control*, New York, NY: WH Freeman.
۳. Brookfield, S. D. (2017), *Teaching for critical thinking: Tools and techniques to help students question their assumptions*, Jossey-Bass.
۴. Carter Enily, et al. (2022), Psychological Resilience Against Online Disinformation: A Scoping Review of Protective Factors, *Frontiers in Psychology*, 13, 842165



۵. Ennis, R. H. (۲۰۱۸), *Critical Thinking Across the Curriculum*, *Topoi*, ۳۷(۱), ۱۶۵-۱۸۴
۶. Facione, P. A. (۲۰۱۵), *Critical Thinking: What It Is and Why It Counts* (۷th ed.), Millbrae, CA: Insight Assessment.
۷. Halpern, D. F. (۲۰۱۴), *Thought and Knowledge: An Introduction to Critical Thinking*, Psychology Press.
۸. Higgins, E. M. et al. (۲۰۲۱), *Resilience in Higher Education: A Comprehensive Review*, *Journal of Educational Psychology*, ۱۱۱(۳), ۵۴۳-۵۶۰
۹. Jones Ashley L, et al. (۲۰۲۴), *The Impact of Media Literacy Education on Adolescents' Cognitive Resistance to Online Misinformation*, *Journal of Applied Developmental Psychology*, ۹۳, ۱۰۱۷۸۷
۱۰. Jovett, G. S., & O'Donnell, V. (۲۰۱۸), *Propaganda & Persuasion*, Sage Publications.
۱۱. Karber, P. A. (۲۰۲۱), *Cognitive Warfare: The Future of Conflict is in the Mind*. NATO Strategic Communications Centre of Excellence.
۱۲. Masten, Ann S. (۲۰۱۴), *Global Perspectives on Resilience in Children and Youth*, *Child Development*, ۸۵(۱), ۶-۲۰. <https://doi.org/10.1111/cdev.12205>
۱۳. Paul, R., & Elder, L. (۲۰۲۰), *The miniature guide to critical thinking concepts and tools*, *Foundation for Critical Thinking*.
۱۴. Smith, J. A., Flowers, P., & Larkin, M. (۲۰۰۹), *Interpretative Phenomenological Analysis: Theory, Method and Research*, Sage.
۱۵. Southwick, S. M. & Bonanno, G. A. (۲۰۱۸), *Resilience definitions, theory, and challenges*, *European Journal of Psychotraumatology*, ۹(۱), ۱-۱۲
۱۶. West, R. F., & Toplak, M. E. (۲۰۲۲), *Cognitive Sophistication and Resistance to Misinformation*, *Journal of Experimental Psychology: General*, ۱۵۱(۶), ۱۲۴۵-۱۲۶۴
۱۷. Wneburg, S., & McGrew, S. (۲۰۱۹), *Lateral reading and the nature of expertise: Reading less and learning more when evaluating digital information*, *Teachers College Record*, ۱۲۱(۱۱), ۱-۴۰
۱۸. Wolley, S. C., & Howard, P. N. (۲۰۱۹), *Computational Propaganda: Political Parties, Politicians, and Political Manipulation on Social Media*, Oxford, UK: Oxford University Press.
۱۹. Zimmerman, B. J. (۲۰۰۲), *Becoming a self-regulated learner: An overview*, *Theory into Practice*, ۴۱(۲), ۶۴-۷۰